



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۴۰

(شرح ذیل قرائت شد)

فهرست مطالب:

غائبین؛ اجازه آقایان: سترگه - د کتر اسدی - نعیمی

(۱) تصویب صورت مجلس

اکبر - بهادری - محمود ذوالفقاری - امیری - ایلخان -

(۲) تقدیم چند فقره سؤال بوسیله آقایان: د کتر متین

امیر عشایری - جلیلود - محمد علی مهدوی - صدر میر

خلعت بری - آصف وزیر

حسینی - شیخ الاسلامی - قراچورلو - طاهری - مشار -

(۳) بیانات قیر از دستور آقایان: ریگی - ایلحانی زاده

قوامی - کدیور - د کتر موسوی اصفهانی - مهندس هدایت

فریور - مهندس والا

شادلو - یغمائی کیهان - تقضلی - مهندس کیا - د کتر

(۴) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر پست و

صیائی - سعید مهدوی - د کتر معدل - کاظم مسعودی -

تلگراف و تلفن

حکیمی - د کتر اصلان افشار - رامبد - سندرچی - بهبهانی

(۵) تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای سید اسداله

د کتر صدری - د کتر عمید - صمصام بختیاری - برومند

موسوی

غائبین بی اجازه - آقایان: د کتر هدایتی - اعظم زنگنه

(۶) گزارش آقای آرامش وزیر مشاور راجع به عملیات

نایب رئیس - اعتراضی بر صورت جلسه نیست؟ آقای

سازمان برنامه

د کتر متین بفرمائید.

(۷) اجرای مراسم تحلیف بوسیله سه نفر از آقایان

د کتر متین - همانطور که همکاران محترم در

نمایندگان

جلسات گذشته تذکر دادند اغلاطی در چاپ صورت مجلس

(۸) تصویب نمایندگی آقایان ابدال بختیار و فیلیکس

مشاهده میشود در عرایض گذشته بنده هم اشتباهاتی هست

آقایان

که اصلاح میکنم.

(۹) طرح گزارش انتخابات کلیمیان و نمایندگی آقای

نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح کنید. آقای د کتر

مراد اریه و ارجاع بکمیسیون تحقیق

دادفر بفرمائید.

(۱۰) طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بنمایندگی

د کتر دادفر - در عرایض گذشته بنده یک اشتباهات

آقای جمال اخوی و تصویب آن

چاپی هست که اصلاح می کنم.

(۱۱) تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - اشتباهاتی که در چاپ میشود به تند

مجلس دو ساعت و پانزده دقیقه پیش از ظهر بریاست

نویسی بدهید که در طبع انسانی اصلاح خواهد شد.

آقای عماد تربتی (نایب رئیس) تشکیل گردید

چون دیگر اعتراضی بر صورت جلسه نیست صورت -

۳ - تصویب صورت مجلس

جلسه تصویب میشود.

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

۴- تقدیم چند فقره سؤال بوسیله آقایان: دکتر متین -

خلعت بری - آصف وزیری

نایب رئیس - آقای دکتر متین بفرمائید.
دکتر متین - یک فقره تقاضا از اهالی حوزه انتخابیه بنده راجع به تشکیلات داد کستری و کمبود داد گاه و قضات رسیده که تقدیم میکنم و سه فقره سؤال هم از دولت کرده ام که تقدیم مقام ریاست میکنم.

نایب رئیس - آقای اربلان خلعتبری بفرمائید.

ارسلان خلعتبری - یک سؤال است - راجع به تعطیل پالایشگاه نفت آبادان و توقیف روزنامه داد که تقدیم میکنم.

نایب رئیس - آقای آصف وزیری بفرمائید.

آصف وزیری - سئوالی است از وزارت دارائی تقدیم

میکنم.

نایب رئیس - آقای خسرو پرویز.

خسرو پرویز - تقاضائی از یک عده از اهالی شاهپور رسیده راجع بمرمت راه شاهپور به تبریز تقدیم میکنم.

نایب رئیس - آقای دکتر موسوی بفرمائید.

دکتر موسوی - طوری است مبنی بر شکایت از شرکت های ساختمانی که اراضی مردم را تصرف کرده اند تقدیم میکنم.

نایب رئیس - بگمسیون عرایض فرستاده میشود.

۳- بیانات قبل از دستور آقایان: ریگی - ایلخانی

زاده - فریور - مهندس والا

نایب رئیس - نطق های قبل از دستور شروع میشود: آقای امان الله ریگی بفرمائید.

امان الله ریگی - اکنون که برای نخستین بار پشت این تریبون قرار میگیرم در محضر اینهمه ارباب فضل و ادب برای من مشکل است که بیانات بسیار شیرینی ادا کنم ولی چون اینجا خانه ملت است و همه افراد این خانواده هستند تصور میکنم افراد خانواده چه خردو چه کلان میتوانند بهر بیان که میخواهند اظهارات خود را بکنند امیدوارم اگر تقصیری در بیان بنده هست آقایان بنده را عفو بفرمایند. بنظر بنده کار مهم نمایندگان مجلس رسیدگی و تصویب لوایح و طرحهای قانونی و بحث در

مسائل مهم سیاست داخلی و خارجی است و وقت مجلس نباید برای مسائل جزئی که در شهرستانها روی میدهد تلف شود ولی متأسفانه بواسطه عدم توجه اولیای دولت ناگزیر ماباید بیائیم در اینجا و با تقدیر مطالبی که حقا

نباید در اینجا مطرح شود وقت آقایان را ضایع کنیم.

در جلسات گذشته عده ای از آقایان مخصوصاً نمایندگان محترم آذربایجان درباره بدی راهها و بدی فرهنگ و بهداشت حوزه انتخابی خودشان صحبت هایی فرمودند آقایان میدانند که بنده نماینده یکی از محرومترین نقاط این مملکت یعنی بلوچستان هستم و این چیزهایی که شما اصلاح آنرا میخواهید مابمعنای واقعی نداریم آقایان مادر بلوچستان اصلا راه و بهداشتی بمعنای واقعی نداریم بین چند شهر کوره راههایی ایجاد کرده اند که دنباله راههای کاروان روی قدیم است و جز با جیب مسافرت بین شهرها امکان پذیر نیست علت فقر مردم بلوچستان نیز همین نبودن ارتباط با داخله مملکت است زیرا در نتیجه نبودن راه مردم نمیتوانند محصولات خود را ببازارهای داخلی برسانند مثلاً نمیدانم آقایان نمایندگان هیچ میدانند که در جنوب بلوچستان بهترین موز دنیا بعمل می آید ولی آنوقت ماباید بیائیم موز از افریقا وارد کنیم و یکی ۷ و ۶ ریال خریداری کنیم در صورتیکه اگر بلوچستان جاهه داشت موز تمام ایران و حتی کشورهای هم جوار ایران را میداد آقایان میدانند که خلیج چاه بهاریکی از نقاط صید ماهی است ولی مردم آنجا مقدار زیادی از صید روزانه را که اضافه بر مصرف آنهاست بدور میداند از نگاه در زاهدان و خراسان ماهی حکم کیمیا را دارد.

وضع بهداشت از این خیلی خراب تر است همین چند روز پیش نامه هایی از موکلین خویش داشتم که نوشته بودند در مانگاه ها دوا ندارند و دولت هم توجه نمیکند در بلوچستان هر ساله عده ای از مردم از لمر از ~~سپه~~ سهل المعالجه است میمیرند زیرا اوادرد سترس نیست. کشاورزی نیز وضع اسفناکی دارد بانگ کشاورزی چند سال تأسیس شده و فرضهایی بعد از ماهها دوندگی ب مردم میدهد مثلاً از هزار تومان تا پنج هزار تومان و یابیشتر ولی در مقابل رهن گذاردن ملک این مقدار هم برای مردم بقدری کم است که با آن اصلاً آبادی نمیتوانند

کرده است. بیایند به بنده نشان بدهند چند تا کار کوچک مثلاً اگر صد درخت غرس شده است به بنده نشان بدهند اگر نشان داده اند این پولها و اقسا خوب خرج شده بقول مردم زاهدان آنچه مردم از این شرکت دیدند که دو خاک اتومبیل های متعدد آنها و فارها و بیماماها و هلیکوپترهای آنهاست و چیز دیگری ندیده اند.

چند کتابچه از گزارشاتی که این شرکت در مقابل اخذ میلیون ها تومان نوشته است بدست بنده رسیده شاید يك روزی که مملکت ما وضع بهتری پیدا کرد و راهها درست شد بهداشت درست شد بتوانیم این گزارشات را بخوانیم و به بینیم خاك بلوچستان چیست و برای چه کارها میتوانیم از نظرات آنها استفاده کنیم، درین کتابچهها يك کتابچه ای بدستم رسیده است گزارشی است که آقایان نوشته اند در مقابل آن چند میلیون تومان پول گرفته اند این گزارشات درباره وضع اجتماعی و اخلاقی و آداب و رسوم مردم بلوچستان است حقیقه بنده تعجب میکنم که چطور ممکن است يك ایتالیائی بیاید در بلوچستان وضع اجتماعی و آداب و رسوم آنجا را بهتر از يك ایرانی بداند و برای تنظیم این گزارش چند میلیون تومان پول بگیرد، بنظر من اینها کارهایست که میشود گفت خاصه خرجی است، دیگر اینکه بنده شنیده ام مدتی است که دولت افغانستان تقاضا نموده در بلوچستان از راه ترانزیتی استفاده کند و حتی از قرار معلوم حاضر شده اند که مخارج این راه ترانزیتی و بندر سازی چاه بهار را بپردازند بنظر بنده این کار بسیار بموقع و فرصت مناسبی برای ما است که باید از آن استفاده کرد و نفع بیشماری دارد. و اگر واقعات دولت افغانستان دنبال این کار هست و دنبال میکنند ما هم باید اجازه بدهیم که يك گوشه از این مملکت آباد شود. موضوع دیگری که امروز بنده اطلاع حاصل کردم و فکر میکنم در هیچ کشوری که از لحاظ اداری هرچقدر عقب مانده باشد این کار را انجام بدهد اینست يك شخصی که سابقاً در بلوچستان رئیس بهداری بوده و اخیراً منتقل بيك نقطه دیگر و رئیس بهداری نقطه دیگری شده سابق که ایشان متصدی بهداری آنجا بوده اند در موقعی که خودو رئیس حسابداری در مرخصی بوده در حدود ۱۸۰ هزار

بگفتند چه بسا که آنرا خرج زن و بچه خود کرده و برای پرداخت اقساط نانک در مضیقه مانده اند. بنظر بنده بانک کشاورزی باید قنوت مخروبه را که هزارها از آن در بلوچستان وجود دارد آباد کرده و آب در اختیار مردم بگذارد و نیز آب و زمین را بزراعتین با قساط طویل المده و اگذار نماید تا برای بیسکارها کار پیدا شود و هر ساله مردم با تصرف خلیج مهاجرت نکنند یکی از مأمورین بانک به بنده می گفت با این ترتیبی که عمل شده است يکروز ي بانک کشاورزی تمام این املاک را برفع خودش ضبط خواهد کرد زیرا مردم با مختصر و امهائی که گرفته اند نتوانسته اند آبادی تازه ای بکنند و از پرداخت اقساط هم دارند عاجز میشوند آقایان اگر بنده این موضوع را بعرض میرسانم تصور نفرمائید که دولت در بلوچستان پول خرج نکرده و یا پول ندارد زیرا در بلوچستان سازمان برنامه تا این تاریخ که بنده در اینجا صحبت میکنم مبلغ صد میلیون تومان بشرکت ایتالیائی ایتال کنسولت که مأمور مطالعه در وضع اقتصادی بلوچستان است پول پرداخت نموده و قرار داد آنها را که تمام شده بود اخیراً مجدداً تمدید کرده و شاید تا سال دیگر صد میلیون تومان دیگر نیز بآنها پرداخت کنند.

بنده با اینکه عقیده دارم در مسائل اقتصادی قبل از شروع بکار باید مطالعه کرد ولی فواید ایجاد راه در هر نقطه ای از بدیهیات است و بنظر بنده مطالعه نمی خواهد زیرا بدون راه حتی مطالعه هم امکان پذیر نیست چنانکه بنده اطلاع دارم همین مهندسین ایتال کنسولت به بسیاری از نقاط حساس اقتصادی بلوچستان نرفته اند چون جاده ای نبوده است یکی از آن نقاط رودخانه دشت یاری و سد مخروبه باهو کلات است که با مختصر پولی میتوان آنرا مجدداً ساخت و برای هزارها زارع آب فراهم کرد ولی آقایان بمن گفتند اصلاً این نقطه را ندیده اند و از این رودخانه وسد اطلاعی ندارند.

بنده از ریاست محترم سازمان برنامه تقاضا میکنم تشریف بیاورند باینده به بلوچستان و به بینند شرکت ایتال کنسولت در مقابل اخذ صد میلیون تومان چه

تومان برداشت کرده اند این موضوع را که ببندید گفتند و افعاً باور نمی کردم تا اینکه دیروز شنیدم همین آقای رئیس بهداری يك دفعه دیگر از طرف وزارت بهداری مأمور رسیدگی با مرزهای و ساختمانی بهداری بلوچستان شده بنا بر این برای بنده دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده که واقعاً این پول برداشت شده و لوطی خور شده و میخواهند با این ترتیب ماست مالی بشود (یک نفر از نمایندگان - سؤال بفرمائید) از آقای وزیر بهداری تقاضا میکنم که باین موضوع رسیدگی بفرمایند چون شخصاً به حسن نیت ایشان عقیده دارم سؤال نمیخواهد آقایان لابد به این اظهاراتی که اینجا میشود توجه میکنند باید رسیدگی کنند (یک نفر از نمایندگان - باید سؤال کنید) سؤال هم میکنم اگر رسیدگی نکردند سؤال میکنم ولی اگر هیچ رسیدگی نکردند استیضاح هم میکنم هیچ اشکالی ندارد (احسن) موضوع دیگری را میخواستم عرض کنم و بعرض آقای وزیر کشور برسانم نامه ای داشتم از عده ای که ژاندارمری رفته و ریخته در خانه های مردم و از خانه های اینها مقداری پشم و پنبه و غیره بعنوان قاچاق در آورده و صاحبان آنها را هم زندانی کردند نمیدانم در کجای دنیا میروند در منزل اشخاص قاچاق میگیرند و چرا نمیروند در مرزها جلوی قاچاق را بگیرند، آقایان مردم بلوچستان بیشتر کارشان گله داری است و این پشم محصول خود آنها است، میروند در خانه مردم در حریم منزل مردم و پشم آنها را میگیرند بعنوان قاچاق من از آقای وزیر کشور که ایشان هم بلوچستان را خوب میشناسند و سالها خودشان در آنجا مأموریت داشته اند استدعا میکنم باین موضوع رسیدگی بفرمایند و گویا بیشتر علت این عمل این باشد که چون پشم در آن طرف مرز ایران ارزان تر است عنوان قاچاق بآن داده اند ولی این موضوع قاچاق نیست اینها خودشان گله دار هستند و پشم مال خودشان است بعلاوه مملکت ما يك مملکت بسیار بزرگی است متأسفانه اشخاصی که در تهران هستند قوانین را برای اطراف خودشان مینویسند و دور را نگاه نمیکنند بنده در اول عرایض خودم عرض کردم بلوچستان جاده ندارد و عبور و مرور از مرزها به آجبه

غیر ممکن است در قسمت های مرزی مردم میروند از آن طرف مرز در نزدیکترین نقاط با کستان پارچه میخرند آقایان میدانید که در پاکستان پارچه خیلی گرانتر از ایران است و متری ۱۰ ریال ۲۰ ریال گرانتر هم میخرند و ژاندارمری این پارچه ها را از این اشخاص میگیرد و به همین جهت است که اگر آقایان تشریف بیاورید به بلوچستان من نشان میدهم که زنهار برای تسرورت خودشان نمیتوانند پارچه تهیه کنند

نایب رئیس - آقای ریگی يك ربع ساعت وقت جنابعالی منقضی است.

ریگی - صدقیقه اجازه بفرمائید تا تمام شود.

نایب رئیس - وقت جنابعالی منقضی است انشاءالله بعد روز دیگر استفاده بفرمائید (ریگی) يك دقیقه اجازه بفرمائید بفرمائید.

ریگی - در هر صورت از آقای وزیر کشور تقاضا دارم که مراجع بزندانان کردن این مردم از طرف ژاندارمری رسیدگی بفرمائید بنده اظهاراتم خیلی بیشتر است ولی چون وقت آقایان را نمیخواهم بگیرم عرض نمیکنم ولی يك سؤال هم دارم که راجع به تعطیل پالایشگاه آبادان است که الان فریب دوماه و چند روز است که تعطیل شده و هر روزی که از این تعطیل بگذرد روزی ۳۰۰ هزار دلار ضرر میرسد و ۳۰ هزار نفر از کارکنان این قسمت بکلی بیکارند آقایان میدانید که سیاست کشورهای نفتی این است که آنها نفت را در ایران تصفیه نکنند و آنها از این موضوع ناراضی نیستند و ما هستیم که سالی صدمیلیون تومان ضرر میکنیم و اگر این وضع ادامه پیدا کند بورس کستگی اقتصادی ما منجر میشود این سؤال را تقدیم مقام ریاست میکنم و امیدوارم که آقای وزیر امور خارجه و آقای وزیر دارائی تشریف بیاورند و جواب بدهند.

نایب رئیس - سؤال بجزریان گذاشته میشود. آقای ایلخانی زاده بفرمائید.

ایلخانی زاده - امیدوارم خداوند همه ما را راه راست هدایت فرماید که بتوانیم با کمال صداقت و درستکاری نسبت به مملکت و ملت خدمتگذاری حقیقی باشیم و از جاده شاه دوستی منحرف نشویم آقایان از این مملکت یک عده کارشان اشاعه

از خداوند بزرگ استغاثه کرد و سه چیز خواست آن سه چیز این بود که خداوند مملکت را از شر دشمنان و دروغ و خشکسالی نجات بدهد معلوم است که در آن دوره دزدی نبوده و الا دزدی و رشوه خواری را مقدم می گفتند چون بنده معتقدم که تمام مفاسد مملکت و هر خرابی که در دستگاه مملکت میشود اثر و منشأش دزدی و نادرستی است (صحیح است) اگر دولت ها حقیقتاً بخواهند دولت جناب آقای مهندس شریف امامی که البته همه ما ارادت داریم و هنوز کاری نکردند است که مورد ایراد مجلس باشد یا ما از ایشان مایوس باشیم اگر بخواهند حقیقتاً خدمتی باین مملکت انجام بدهند باید جلو این دزدی ها را بگیرند و دزدها را تنبیه کنند و بنده مطمئنم اگر دو تا دزد گردن کلفت نه آفتاب دزد دزد ملیون دزد را تنبیه کنند مسلماً در این مملکت ریشه دزدی و خیانت قطع میشود و تاریخ این دزدی و رشوه خواری در این مملکت قطع نشود مطمئناً کار مملکت بجائی نخواهد رسید همکاران محترم در بیان ایشان در جلسه گذشته راجع بخرابی راه و فرهنگ و سازمان برنامه صحبت هائی کردند البته تمام این دستگاهها برای اصلاحات مملکت است يك بودجهائی دارد اگر بودجهای نداشتند ماحرفی نداشتیم اگر بودجهای دارند و بمصرف واقعی خود نرسد دزدی میکنند لوطی خور میشود و از بین میرود پس بهترین کار این دولت بنظر بنده این است که دزدها را معرفی و تنبیه بکند این مملکت که اکثر آنا ریخ آن نشان میدهد که مورد تاخت و تاز دشمنان واقع شده بعد از مدتی این اقوام متعرض و شرور از مملکت خارج شده اند اما در این مدت دیده نشده است که يك دزدی تنبیه شود از مملکت رانده شود این دیده نشده است و محال است، عرض کنم البته در حوزه انتخابی بنده و بطور کلی شهرستان مهاباد اصلاحاتی شده یعنی وضع عمومی شهر مهاباد نسبت به چند سال پیش خیلی فرق کرده تحت توجهات اعلیحضرت همایونی و تاج کیداتی که فرمودند و انصافاً فرمانده سپاه آنجا که سپهبد دورام بود يك کارهائی انجام داد و خدماتی کرد و اصلاحاتی در آنجا شد ضمناً در سردشت که حوزه انتخابیه بنده است يك مریضخانه مفصلی با عطیه شاهانه و پولهای دیگری درست شده یکسال و نیم از

اکاذب و دروغ پرداز است و من نمیدانم نام آنها را چه بگذارم دروغ پرداز یا بخیل یا بیگانه پرست که انشاء الله نیستند بهر حال اینها از بستن هیچ تهمتی بر علیه مقامات مملکتی دستگاهها و کلاهی مجلسین مضایقه ندارند بنظر اینجناب ناید در مقابل حملات ناجوانمردانه يك عده معلوم الحال و انگشت شمار سکوت کرد باید با آنها تودهنی زدو بجامعه معرفی نمود که اینها چه کارهائی در گذشته کرده و حال از تبلیغات زهر آگین خود چه نتیجه می خواهند بگیرند و دیگر باین قبیل اشخاص مجال خرابکاری و یابوه سرائی را نداد حتی کار را بجائی نشانده اند اگر کسی نسبت به مقام شامخ سلطنت ارا از علاقه و ارادتی بکند هومی اندازند که اینها متملق و مزدور دربار هستند اینجناب که يك فرد ایرانی و دارای صراحت لهجه بوده و هستیم از پشت این تریبون مجلس اعلام میکنم که خود وهو کلینم ده از افراد نجیب و نیک سرشت ایرانی هستند مطابق مذهب و سنن باستانی شاه را واجب الطاعه میدانیم و بر رژیم سلطنتی و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران وفاداری بوده و پروانه وار دور شمع سلطنت میگردیم و جان های ناقابل خود را در راه اعتلای ایران عزیز و مبارزه با بیگانگان متعرض تحت فرمان و اراده شاهنشاه ایثار خواهیم کرد با کمال شهامت و بی پروائی بکوری چشم دشمنان که نمیخواهند ترقی و تعالی مملکت را ببینند اعلام میکنم که تا آخرین نفس حامی و پشتیبان رژیم سلطنتی مشروطه بوده و بشخص اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی وفادار و حاضر به هر گونه فداکاری و بذل جان و مال در راه اجرای منویات مبارکشان بوده و خواهم بود این اظهار ارادت اینجناب نه از برای تملق و نه چاپلوسی است نه هیچوقت باصطلاح مغرضین درباری بوده ام و نه از طرف دربار مقام و سمتی بمن داده شده فقط از روی غرور ملیت خواستم بدشمنان مملکت بفهمانم علاقه بر رژیم سلطنت مشروطه و شخص شاهنشاه ایران بقول شاعر، بنا شیر اندرون شد و با جان بدر رود. حالا غر خور درباره بنده قضاوت میشود بشود یا کی ندارم بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم و شهامت این را دارم و بخود مطمئن هستم و در مقابل هیچ قدرت و قوه جاحالی نمیکنم و تا پای جان ایستادگی میکنم البته آقایان شنیده اند که داریوش کبیر

این د کتر بهداری هم اگر منتقل شود برود شیر و خورشید آنجا کارش را انجام میدهد چون آنجا آن شیر و خورشید بو کان طیب ندارد البته امیدوارم که بتواند خدماتی انجام دهد و این نواقص رفع شود در سابق اطلاع دارید که شرکت نفت نمایندگان گپائی در خارج داشت که نفت را بوسیله آنها توزیع میکرد و خرید و فروش میکردند،

بعد از این وضعیت بهم خورد و خود شرکت ملی نفت شعبه هائی باز کرد و مستقیماً اداره میکند ولی در بعضی نقاط همان وضعیت است و بوسیله همان عاملینی است که خوب اداره نمیکنند هر سال در موقع زمستان نفت و بنزین مصرفی را دو سه برابر گرانتر میفروشند و توی نفت و بنزین آب قاطی میکنند، علیهذا بنده معتقدم چون شرکت ملی نفت فعلاً مزفه است و پول هم دارد این نواقص را مرتفع کند و آن جاهائی که شرکت تاسیس نشده یعنی بوسیله خود ما مورین شرکت ملی نفت اداره نمیشود آنها را هم اداره کند که مردم از دست این اشخاص خلاص شوند.

(احسن)

نایب رئیس - آقای محسن فریور

فریور - امروز که برای اولین بار از پشت این تریبون بنام نماینده ملت صحبت می کنم یکبار دیگر نیز به پشت این تریبون آمدم و بیکلام الله مجید سو کند یاد نمودم که در طول مدت نمایندگی بشاهنشاه و ملت ایران خادم بوده و جز از طریق راستی قدم بر ندارم.

من امروز بر اساس این وظیفه خطیر ملی لازم دانستم تذکراتی چند بدولت داده و شمه از محرومیت ها و بی عدالتی هائی را که نسبت بحقوق ملت ایران تا کنون اعمال شده بطور اختصار بعضی برسانم و یاد آور شوم که ادامه این رویه موجبات یأس و بدبینی مردم را نسبت بدولت های بیشتر فراهم کرده و بالنتیجه عقب ماندگی و فقر و پریشانی عمومی را موجب میگردد.

من آن روز که هیئت رئیسه مجلس برای اولین بار بحضور شاهنشاه شرفیاب گردید بخوبی احسان کرده که خاطر خطیر ملو کانه از جریانات نامطلوبی را که در کشور

آن میگردد که هنوز به آنجا نهد ذسری فرستاده و نه دوائی دارد و اسمش مریضخانه است، البته انشاء الله خیلی اینطور نخواهد ماند، بنده انتظار دارم که وزیر بهداری به این قسمت توجه مخصوصی مبذول بفرمایند که این مریضخانه ای که در اقصی نقاط مرزی مملکت باز خدمات زیادی تاسیس شده از بین نرود و طبیب و داروئی به آنجا داده شود ضمناً جاده سردشت و پل سردشت که البته شاید آقایان کمتر دیده باشند ولی خوشبختانه تیمسار سر لشکر همایونی که خودشان مدتها در آن منطقه مأموریت داشته و مدتها فرمانده نیرو بودند و خدمات مهمی انجام دادند ایشان واردند که آنجا جاده اش خراب است کم عرض است و نصف سال بسته میشود و پل چوبی آنجا هم در اکثر سالها در اثر طغیان رودخانه خراب میشود و عبور و مرور آن منطقه باتمام خاک ایران از این پل است و این پل هم قطع میشود اکثر دیده میشود که مردم آنجا میر و ندما یحتاج خودشان را از خاک عراق تهیه میکنند چون به ایران راه نداشته اند در درجه اول راه آنجا مورد نیاز است جاده کم عرضی است لااقل اگر یک کمی عریض تر شود بعد هم پل چوبی آنجا که بایستی اساسی شود بنده راجع به پل آنجا با وزیر راه صحبت کردم که پل فلزی که از خارج خریداری شده آنرا نصب کنند و البته باید باین قسمت توجه شود تا موقع نگذشته در تابستان ۱۳۱۸ و در خانه کم است این عمل انجام شود چون بعد از این که در خانه ها طغیان کردند دیگر تملی نمیشود انجام داد ضمناً راجع به وضعیت بهداری مهاباد از لحاظ شیر و خورشید حقیقتاً وضعیتش بهتر است چون یک جراح خوبی در قسمت شیر و خورشید است که برای آن منطقه مفید است و شیر و خورشیدی خوب کار میکند، هم شیر علمش خوب است و هم شیر و خورشیدش، اما بهداری در بوکان یک نفر طبیب دارد و مقداری دوا میدهند تمام بهداری در حدود بیست سی هزار تومان اعتبار دارد، یک نفر طبیعی دارد که زیاد وارد نیست و اکثر سال هم در مسافرت است و این طرف و آن طرف میرود و آن دواها هم نقله میشود بنده معتقدم که دوا بیشتر بفرستند و طبیب بهتری هم بفرستند که حقیقتاً وجودش موثر باشد اگر وجودش موثر نباشد نبودنش بهتر است

میگذرد سخت مکدر و آزرده است و بخوبی دریافتم که تاجه جدید پیشرفت و تعالی ملت و اصلاح امور کشور علاوه فراوان دارند و وقتی که شاهنشاه میفرمایند ما باید نسبت به خواسته های مردم مملکت آنقدر توجه و کمک نمائیم تا موجبات مفهوم واقعی حکومت مردم بر مردم از هر حیث فراهم گردد مسلماً گناه عدم حصول باین مقصود عالی مترجم هیئت حاکمه ما است متوجه مجلسین ما است که بنام نماینده ملت از پاره بی اعتنائی ها و بی توجهی های دولت ها جدا جلو گیری نمی کنند:

آقایان اطمینان دارم همه بحاضر حقوق نمایندگی به اینجا نیامده اند:

عشق و ایمان خدمت بکشور و مردم است که ما را در این مکان مقدس دور هم جمع نموده است بیائیم با افتخار و سر بلندی این دوره مجلس را بیایان رسانیم تا در نزد خداوند و شاهنشاه و ملت ایران دین خود را ادا نموده باشیم بیائیم با سرسختی هر چه تمامتر بر علیه نادرستی ها و کارشکنی ها مبارزه کنیم و نگذاریم سهل انگاری و اغماض بی جای دستگاه اداری مملکت در مقابل افراد ناصالح و نادرست ادا می نماید. بیائیم با قدم های مثبت و مفید بایست و بدینی که بزرگترین دشمن اصلاحات کشور است مبارزه کنیم و افراد نادرست و ناصالح را در هر مقامی که باشند بنیای میز عدالت بکشانیم و از این راه پاسخ مثبتی به آرزو های واقعی ملت ایران داده باشیم:

در جلسه قبله ای از همکاران محترم راجع بوضع بد راه های کشور صحبت کردند:

آقایان موضوع راه سازی و ایجاد شبکه راه در کشورهای بزرگ و کوچک دنیا جزو مسائل حل شده و ابتدائی است زیرا راه های شوسه و وسائل ارتباط با خود فرهنگ و بهداشت و اقتصاد را بهر کجا که می رود میبرد متأسفانه در کشور ما نه تنها این راه توفیقی حاصل نکرده ایم بلکه از انجام کامل آن نیز احساس عجز مینمائیم.

در کشورهایی که باید فقیر را از ممالک نفت خیز وارد کنند امروز جاده خاکی دیگر کمتر بچشم میخورد ولی ما که از صادر کنندگان بزرگ نفت جهان هستیم هنوز نتوانستیم جاده های مزبور در کشور خود را اسفالت کنیم:

و اگر احیاناً جاده را اسفالت کردیم شاید پیش از یکی دو سال قابل استفاده نبوده است:

آقایان در مقابل پول هائی را که در این کشور بنام راه سازی چه بوسیله وزارت راه و چه از طریق سازمان برنامه مصرف کرده ایم متأسفانه امروز همه شاهد و ناظر مناظر رقت انگیز و خجلت آور جاده های کشور خود هستیم آیا ما چه پاسخی در مقابل این سهل انگاری و عدم لیاقت می توانیم به مات ایران بدهیم؟ هزار جریب چهار دانگه دو دانگه را اطمینان دارم اکثر اعضاء هیئت حاکمه ما ندانند در کجا است، این سه محل سه بخش بزرگ است از شهرستان بهشهر و ساری را تشکیل میدهد. بیش از ۲۰ هزار کیلومتر مربع مساحت داشته و متجاوز از ۱۵۰ هزار نفر سکنه دارد.

مردم این مناطق بعلمت نداشتن راه و وسایل ارتباط و پست و تلگراف و تلفن در ابتدائی ترین شرائط زندگی بسر میبرند و هنوز عده کثیری از اهالی آنجا اتومبیل و دو چرخه را بچشم ندیده اند. یکنفر ژاندارم در آنجا حکم مطلق العنان است بعلمت بعد مسافت باشهرها محصول خود را مردم آنجا نمیتوانند بیازار عرضه کنند ناچار بقدر زندگی بحور و نمبر فعالیت نشاوری دارند در تمام این سه بخش دو پرشکبار با اصطلاح سبار آنها را بشدون دارو و شاید پنج شش باب بدستان بیشتر وجود نداشته باشد قریب به پانزده سال است که اهالی آن سامان برای ساختن جاده شوسه و اتصال ساری به سمنان از طریق چهار دانگه و دو دانگه و نیز اتصال بهشهر به امغان از طریق هزار جریب بوسیله تلگرافات و نامه های متعدد از اولیاء دولت تقاضای بدل توجه بوضع رقت بار خود نموده اند متأسفانه تا کنون کمترین توجهی به این تقاضای اساسی و ضروری آنها نشده است در اینجا لازم میدانم بگویم اگر اولیاء امور دارای هدف و برنامه خدمتی برای کشور بودند قطعاً بخواسته های مردم آن سامان توجه میکردند زیرا سرزمین حاصلخیز مازندران با آنهمه استعداد خدادادی امروز باید بکشت نباتات صنعتی و نباتات روغنی و برنج اختصاص داده شود اگر در هزار جریب و چهار دانگه و دو دانگه راه شوسه وجود میداشت امروز ما میتوانستیم سطح کشت توتون کشور را

با استفاده از اراضی مستعد و وسیع آنجا و با توجه به تعداد زارعین بیکار آنسامان بچندین برابر بالا برده مضافاً باینکه کمبود غله قسمتی از کشور را جبران کنیم و یا ایجاد جنگلهای زیتون و باغات جای به در آمده و بالا بردن سطح زندگی عمومی کمکهای ذی قیمت نموده باشیم.

امروز مامیتوانستیم از معادن فراوان و جنگلهای وسیع و انبوه آن با اصول فنی بهره برداری کنیم و نگذاریم در لفافه عبارت حفظ جنگلها موجب از بین رفتن درختان کهن سال جنگلها شده این ثروت بزرگ ملی را بدست خود از بین برده و نام آنرا حفظ منابع ثروت مملکت گذاشته و اجازه دهیم از ممالک خارج چوب وارد کشور ما شود و هزاران نفر کارگر و مردم شمال بیکار و در فقر و گرسنگی بسر برند و صدها صاحبان صنایع چوب داخلی را بورشکستگی سوق دهیم.

سد تجن که یکی از آرزوهای بزرگ مردم مازندران است با وجود مطالعات کافی و تکمیل پروژه آن چرا باید در بوته فراموشی قرار گیرد چرا باید صدها خلیون تومان ثروت این مملکت را برای ساختمان بناهای غیر ضروری خرج کنیم ولی برای ساختمان یک سد که موجب بالا بردن سطح درآمد عمومی و تقویت بنیه اقتصادی کشور است و هزینه آن در حدود هزینه یکی از بناهای ساخته شده میباشد بگوئیم پول نداریم.

میگوئیم که باید عدالت اجتماعی در کشور علینغم بدینی و یأس عمومی ایجاد کرد و دستگاه قضائی مملکت را اصلاح نمود ولی ابداً توجه نمیکنیم که پایه و اساس این عدالت بدست ضابطین داد گستری پی ریزی میشود بدست همان پاسبان و ژاندارمری که با ماهی دویا سه هزار ریال استخدام نموده ایم.

آیا آن ممالکی که توانستند به این هدف عالی خود برسند در استخدام ضابطین داد گستری از همان راهی رفتند که ما میرویم؟

میگوئیم که کشاورزی این مملکت را باید مکانیزه کرد تا سطح تولید بالا رود بموازات این برنامه اجازه میدهم که کشور ما کلکسیون ماشین آلات کشاورزی

مختلفه دنیا شود بدون آنکه تضمینی از جهت تهیه و بهاء لوازم یدکی و تعمیرگاهها و راننده وجود داشته باشد در نتیجه امروز کشاورزان ما و آن کسانی که برائش شرایط سهل فروشندگان اقدام به خرید تراکتور نموده اند بادر دست داشتن آهن پاره بورشکستگی سوق داده شده اند.

ما در این راه از تجربیات ممالک همجوار و ایامالک کشاورزی دنیا بهیچوجه نخواستیم استفاده نمائیم و آنرا لافل سرمشق کار خود قرار دهیم.

میگوئیم که استفاده از کود شیمیایی برای بالا بردن میزان محصول کشور منافع فراوان دارد کسی منکر آن نیست ولی آیا میتوان کود شیمیایی را بدون آموختن و آشنا نمودن کشاورزان بطرز استفاده از آن در اختیار آنان قرار داد و از این اقدام آیا میتوان نتیجه نیکو انتظار داشت؟

میگوئیم که استفاده از آبهای زیر زمینی یکی از اقدامات مفید و ضروری است آیا بنگاه آبیاری ما در این راه توانست تا کنون لافل را نعمائی مفیدی به کشاورزان این مملکت بکند و آیا توانستیم در راه حفر چاههای عمیق با شرایط مناسب برای کشاورزان اقدامی کنیم؟ میگوئیم بانک کشاورزی داریم تا به کشاورزان و صاحبان اراضی برای اجرای برنامه های عمرانی کمک نماید آیا با شرایط غیر منطقی و ناصحیح آن کشاورزان و صاحبان اراضی مامیتوانند از مزایای آن استفاده نمایند و آیا به کسانی که وامهای بزرگ پرداخت کرده اند از آن در اجرای برنامه های عمرانی استفاده شده است؟

بارادتی که بجناب آقای وزیر کشاورزی دارم و اطمینان باینکه مردی لایق و با کدامن و وطن پرست و کار دان می باشد انتظار داریم که نسبت به نواقص کار دستگاههای وزارت کشاورزی توجه دقیق میدول فرمونه و نگذارند که بعضی از دستگاهها قوانین رایض مردم و برخلاف نظر قانون گذار تفسیر نمایند ما مورین وزارت کشاورزی حق تفسیر قوانین را ندارند اگر ابهامی دارند باید از مجلس سؤال نمایند.

جناب آقای وزیر کشور شما را مردم به نیکی و نیکنامی میشناسند نگذارید در انتخابات کشور انجمن های

نظارت دخالت های غیر قانونی نسبت بحق مردم بنمایند و با انجمن های مغرض و نادرست که مانع تأمین آزادی کامل انتخابات میشوند جداً مبارزه کنید نگذارید انجمن شهرها و نیکه و وظائف ملی خود را آنطوریکه مردم انتظار دارند انجام نمیدهند به بی نظمی خود ادامه دهند و از دخالت کلیه مأمورین وزارت کشور در تشکیل انجمن ها جداً جلوگیری نمائید تا مردم نیز بتوانند استعداد و لیاقت خود را در این راه نشان دهند.

جناب آقای وزیر دادگستری شما که از قضات یا کدام و مطلع کشورما هستید نگذارید اداره کل ثبت اسناد بر خلاف قانون باصدهر بخشنامه غیر قانونی از صدور اسناد مالکیت و حتی تسلیم اسناد مالکیت صادره املاک مردم شمال جلوگیری نماید و از این رویای و بدبینی را در مردم از هیئت حاکمه فراهم سازند.

جناب آقای مهندس شریف امامی شما که از رجال خوشنام ما هستید و دولت شما نیز از عده رجال خوب مملکت تشکیل گردیده باید توجه داشته باشید که این افراط و تفریطها و این بی توجهی به خواسته های مشروع مردم است که همه را هائوس از انجام اصلاحات میکند هر دولتی که روی کار می آید وعده اصلاحات میدهد مگر مردم را تا کی میتوان بوعده های بی اساس سرگرم کرد.

آقایان نمایندگان ما که چهار سال آماده شدیم عمر خود را صرف خدمت بمردم و مملکت تمائیم جداً از دولت انجام خواسته های ضروری مردم حوزه انتخابیه خود و مردم این مملکت را بخواهیم و اگر گوش بحرف ما ندادند و بر خلاف مصالح عمومی عمل کردند از پشت این تریبون دولت را استیضاح کنیم و اگر خدای نخواسته و کیلی بر اساس خواسته ناصحیح شخصی از وزیری ناراضی بود از آن وزیر هم خواهش میکنم بیاید پشت این تریبون و آن نماینده را معرفی کند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (احسنت).

نائب رئیس - آقای مهندس والا

مهندس والا - از اینکه جناب آقای رئیس اجازه فرمودند بنده چند دقیقه ای مصدع وقت همکاران شوم و هم چنین از آقای مهندس مقدم دوست عزیزم که

وقتشان را بمن مرحمت فرمودند نهایت تشکر را دارم. عرایض بنده امروز مربوط به حوزه انتخابیه ام است. شاید این یک وظیفه اساسی برای نمایندگان باشد که دین خودشان را نسبت به مردمی که بآنها اعتماد کرده اند و رأی داده اند و آنها را برای حفظ حقوق مشروع خودشان به این مکان مقدس فرستاده اند. بر تمام آقایان نمایندگان این امر فرض و واجب باشد بهمین جهت بنده استدعا میکنم بخصوص آقایان وزرائی که در جلسه تشریف دارند و هم چنین مسئولین امور که به این عرایض توجه نکنند. متأسفانه منطقه پر استعداد خلخال که در استان آذربایجان است به علتی که متأسفانه شاید بر خودم مهم محسوب باشد از نقاط فراموش شده است از نقاطی است که در ظرف پنجاه و چند سال که از عمر مشروطیت میگذرد بهیچوجه من الوجوه باین منطقه توجه نشده است در این سرزمینی که افراد بسیار مستعدی در دامن خود تربیت کرده و اگر بنده ادعا نکنم که اهالی خلخال سهم بزرگی در پایه گذاری مشروطیت داشته اند گرافه گوئی نکرده ام از کلیه مواهب تمدن و زندگی محرومند، خلخال محل با استعدادی است که اگر به آن توجه نکنند مردم زحمتکش آن به خوبی خواهند توانست نه تنها زندگی خودشان را اداره کنند بلکه از نواحی متمول این مملکت خواهد شد که خواهد توانست به بودجه عمومی از راه پرداخت مالیاتها کمک کند، ولی متأسفانه امروز بنده باید از پشت این تریبون عرض کنم که این منطقه راه ندارد برای رفتن به خلخال واقعاً بایستی با الاغ رفت در صورتیکه در پنجاه سال پیش که راه کاروان رو بین منطقه کیلان و مازندران از این خط میگذشت بعلت تردد فوافل خلخال یکی از مراکز ثروتمند آذربایجان بود و امروز طوری شده که اکثریت اهالی این منطقه کوچ کرده اند و نتوانسته اند آنجا بمانند از این گذشته آیا ممکن است تصور کرد در زمانی که تمدن بجائی رسیده که بشر به آسمانها پرواز میکند در یک منطقه ای که ۱۴۰ هزار نفر جمعیت دارد یک طبیب که از دانشکده بیرون آمده باشد آنجا نقرستند؟ بنده متأسفم که جناب آقای نخست وزیر و آقای وزیر بهداشت اینجا تشریف ندارند

که عرایض بنده را بشنوند آیا این قابل تحمل است که ما باشیم و ناظر باشیم که مردمی در اثر نداشتن طبیب و نداشتن وسیله با گرفتاری کوچکی مثلاً یک آپاندیسیت از بین بروند؟ واقعاً برای بنده نهایت تأثر و تأسف است که وقتی بمن خبر میرسد که در یک ماه قبل زنی حامله به علت نبودن طبیب که او را معالجه ندادند هم خودش و هم بچه اش از بین رفته اند. در خلخال مدت هشت ماه از سال به علت بارندگی و برف راهها مسدود است و اهالی مثل افراد زندانی هستند که دسترسی بجائی ندارند متأسفانه این مردمی که به علت نداشتن وسایل ارتباطی از ما دور هستند از طرف دیگر با باز کردن یک پیچ رادیو و استحضار از ترقیاتی که نصیب سایرین میشود طبیعتاً متأثر میشوند بنده وقتی در موق انتخابات در حوزه انتخابیه بودم یکی از محترمین آنجا یک کاغذی بمن نشان داد که این کاغذ مربوط به دوره دوم مجلس قانونگذاری بود در آنموقع نامه ای نوشته بودند به کمیسیون عرایض و تقاضا کرده بودند که راجع به راه خلخال اقدام شود، از دوره دوم مشروطیت تا حالا که دوره بیستم است ملاحظه فرمائید که چند سال است هیچکس حاضر نشده به حرف اساسی و منطقی این مردم توجهی داشته باشد در صورتیکه اگر حقیقه راه گیلان و آذربایجان که از منطقه خلخال عبور میکنند احداث شود نه تنها برای بالا بردن سطح زندگی مردم خلخال مؤثر است بلکه از نظر روابط تجاری بین دو منطقه و دو استان مهم این مملکت منافع بیشماری خواهد داشت، تمام احتیاجاتی که در آذربایجان وجود دارد چیزهایی است که در گیلان تهیه میشود و تمام محصولات آذربایجان در گیلان مصرف میشود علاوه بر این با افتتاح این راه شما چهل فرسخ بین رشت و تبریز را کوتاه میکنید اگر از نظر تجاری هم حساب شود ملاحظه میفرمائید که اینکار صرف دارم مطلب دیگری که لازم است اینجا عرض کنم موضوع سازمان برنامه و مربوط به جناب آقای آرامش است و آن این است که آن انتظاراتی که ملت ایران از سازمان برنامه داشت عملی نشد. سازمان برنامه در گذشته بجای اینکه تمام هم و مساعی خودش را مصروف نقاط عقب افتاده و نقاطی که توجهی بهش نشده معطوف بدارد متأسفانه برعکس

سرمایه و فعالیت و سعی خودش را در جاهائی متمرکز کرد که لافل بهره ای از تمدن جدید داشتند در حالیکه اگر این فکر بوجود میآید که برای پیشرفت یک مملکت اساس کار شهرستانها و دعوات این مملکت است اگر دهات شما معمور باشد اگر ده شما آباد و متمکن باشد اگر در دهات شما نعمت فراوان باشد آن وقت میتوان انتظار داشت که در شهر و سایر جاهای مملکت توفیق و تکامل خود بخود ظاهر میشود (مصطفوی - صدی ۸۰ مردم این مملکت در دعوات هستند) همانطوریکه آقای مصطفوی فرمودند هشتاد درصد سکنه مردم این مملکت در دعوات هستند بنظر بنده بایستی هدف اساسی دولت و هدف اساسی سازمان برنامه سعی در بالا بردن سطح زندگی مردم دهات بشود شما امروز ملاحظه فرمائید در کشور شاهنشاهی ایران، تهران متجاوز از دو میلیون نفر جمعیت دارد در صورتیکه شهر درجه دوم ایران بیش از سیصد، چهارصد هزار نفر جمعیت نخواهد داشت اگر ما بیائیم تاریکاتوری رسم کنیم و وضع مملکت را محسوس کنیم مانند آدمی میباید که دارای یک ششم آمان برده بزرگی باشد که مبتلا باستسقا شده و دارای دو بازوی بسیار لاغر و دو تا پا مثل نی فلیان باشد.

این تمرکز مردم در تهران از لحاظ این است که کار در شهرستانها وجود ندارد نعمت در شهرستانها نیست، مردم شهرستانها بیکار هستند و بهمین علت روی می آورند بشهر تهران، در صورتیکه اگر شما امنیت قضائی و عدالت اجتماعی را در آنجاها بوجود بیاوریدو برای مردم کار تهیه کنید مسلماً افراد بخانه و روزنگی آباء و اجدادی خودشان بیشتر علاقمند هستند تا اینکه بیابند در تهران و سرگردان شوند و بعد برای بدست آوردن قوت لایموت بهر درو دیواری بزنند و کارشان بتکدی برسد، آقایان محترم بنده اگر عرض کنم روزی ۱۰ یا ۱۵ نامه دارم که جوانانی بر میوند و ورزیده مزاجه میکنند و کار می خواهند اغراق نگفته ام، این مردم اگر کاری داشته باشند، اگر امکان این باشد که از استعداد بدنی و نیروی فکری خودشان در محل خودشان استفاده بکنند مسلماً بهتران نمی آیند. بنظر بنده جناب آقای آرامش بایستی توجه کاملی بکنند که در برنامه سوم حقیقتاً بوضع شهرستانها بیشتر

توجه بشود، بنده اگر حقیقتاً از وضع حوزه انتخابیه خودم بیشتر از این مصدع بشوم ممکن است موجبات تأثر نمایندگان محترم را فراهم بیاورم، امامی بنیم که این درد تنها برای خلخال نیست، بلکه تمام دهات دارد از بین می‌رود، تمام دهات ما مخروبه شده و متأسفانه برنامه‌های دولت بخصوص دماک به کشاورزان از مرحله حرف به مرحله عمل در نمی‌آید، این توقع مشروعی است که کسانی که ما را انتخاب کرده‌اند و ما را با این جفا فرستاده‌اند دارند ما باید در دل آن‌ها را بیان کنیم و از مقامات مسئول بخواهیم که با این حرف‌ها توجه کنند. بنده بیشتر از این مصدع وقت مجلس نمی‌شوم و بخصوص از دولت تقاضا دارم نسبت باحداث راه خلخال توجهی داشته باشند و این نکته را هم اضافه میکنم که در حکومت سابق وقتی که هیأت دولت بنا به استدعای اهالی خلخال با آنجا رفتند، مردم این سرزمین تمام از زن و مرد و پسر و جوان خاندهای خود را ترک کردند و با شعار اینده اول راه، دوم راه، سوم راه، اول راه، آخر راه از دولت تقاضای راه کردند این مردم يك تقاضای مشروعی دارند میگویند راه ما را درست بکنید بقید کاه با ما و ما اگر نتوانیم بحداقل توقع مردم پاسخ مثبت بدهیم حقیقتاً بنده بسهم خودم در وظیفه نمایندگان و دولت نیز از نظر مسئولیتی که دارم قصور کرده‌است.

روزی که بنده انتخاب شدم عده‌ای از مردم خلخال جلسه‌ای تشکیل دادند و قرآن آوردند جلوی من و مرا بقرآن قسم دادند که مهندس والا تو اگر میخواهی ما ازت راضی باشیم بفکر راه ما باش، بفکر این چیزی که شریان حیاتی ما را تشکیل میدهد، بفکر این باش که لااقل ما بعنوان اینکه يك و کیلی از بین خودمان انتخاب کرده‌ایم در پیش سایرین سر بزنند باشیم ما ممکن است بهر طریقی آمده باشیم بمجلس در صورتیکه اطمینان دارم اکثریت نمایندگان که در این مجلس هستند مورد احترام و اعتماد مردم میباشند، بنده از پشت این تریبون بالصراحه عرض میکنم هر شخصی که نسبت با انتخاب بنده لو فرض معترض باشد حاضر استعفا بدهم و دوم تبه مردم خلخال بنده را انتخاب میکنند بنا بر این بنده که خودم را وکیل حقیقی مردم میدانم، بنده که خودم را نماینده

توده این ملت میدانم بنده که خودم را نماینده این مملکت میدانم ناگزیر هستم از پشت این تریبون خواسته‌های مشروع آنها را توضیح بدهم، این وظیفه ما است که بدر دل مردم رسیدگی کنیم، بنده اهل شانتاز نیستم و با کسانی که بخواهند این تریبون را وسیله اغوای مردم و وسیله تحریک مردم قرار بدهند جدا مخالفم.

ما باید يك محیط آرام، يك محیط دوستانه به يك محیطی که برفع مملکت باشد مسائل و معضلات کشور را بررسی و حلای کنیم ما باید با یکدیگر بینیم شخصی در دولت هست، یادر دستکاه دولت هست که خواسته‌های مردم را ترتیب اثر میدهد تقویتش کنیم مملکت ما در درجه اول احتیاج بآرامش دارد اگر آرامش در مملکت باشد امید پیشرفت داریم بخصوص دیک آرامشی هم در دولت هست و من امیدوارم که آقای آرامش هم که از دوستان بنده هستند، هم این افتخار برای من هست که از نویسندگان تهران مصور بودند و مدتی با ایشان همکاری میکردم اکنون که مسئولیت بزرگی را نیز بعهده گرفتند بتوانند در خدمت بمردم توفیق پیدا کنند (انشاءالله) و من امیدوارم نمایندگان مجلس آن عرضی که کردم بهر طریق آمده‌ایم بمجلس آقای دکتر متین از این جهت بود که وقتیکه کسی آمد بمجلس وظیفه ساسش این است که خواسته‌های مردم را دنبال کند. شما که نماینده بابل هستید و من اعتماد دارم که نماینده طبیعی مردم هستید باید تمام سعی خود را در بر آورده حوائج مردم آنجا و سایر اهالی کشور مصروف بکنید. این وظیفه بنده است. بنده بسهم خودم حاضرم باهر کس که در این فکر موافق باشد همکاری کنم امیدوارم دولت نیز بتذکرات خیر خواهانه نمایندگان مجلس ترتیب اثر بدهد و حقیقتاً موجبات سرماندی ما را فراهم بکند و ما را در انجام وظایفی که در این باره دارند چرا برای اینکه دولت مسئول کارهاست، دولت آمده مسئولیت اداره کردن مملکت را تقبل کرده، مردم از این دولت انتظار دارند که بخواهیم آنها ترتیب اثر بدهد.

بنده تشکر می‌کنم از اینکه نمایندگان مجلس بنده وقت دادند تا قسمت مختصری از درد دل‌های مردم خلخال را

اینجانبان کم کم ضمناً یکی از دوستان بنده در اینجانبان داشتی فرستاده که چون مادره مکارما جناب آقای تفضلی فوت کرده اند در اینجانبانده اغتمام فرصت میکنم و بر روان آن مرحوم درود میفرستم و امیدوارم که روح پر فتوح آن مرحومه در جوار رحمت الهی باشد و سبب جزیل به آقای تفضلی عطا فرماید متشکرم (نمایندگان همه تسلیت عرض میکنیم)

۴- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر پست و

تلگراف و تلفن

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف (آقای دکتر اعتبار) - لایحه‌ای است مربوط به قرارداد بین المللی مخابرات که تقدیم مجلس شورای ملی میکنم

نایب رئیس - بکمیسون مربوط فرستاده می شود

آقای موسوی بفرمائید

۵- تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای اسداله موسوی سید اسداله موسوی - سئوالی است از وزارت راه تقدیم

میکم

۶- گزارش آقای آرامش وزیر مشاور راجع به عملیات سازمان برنامه

نایب رئیس - بجزریان گذاشته میشود. آقای آرامش وزیر مشاور گزارشی راجع به سازمان برنامه دارند می دهند بفرمائید

وزیر مشاور (آقای آرامش) - در جلسه روز یکشنبه ۲۰ فروردین مجلس شورای ملی نماینده محترم تبریز آقای دکتر موسوی راجع به برنامه‌های عمرانی کشور مطالبی فرمودند و بعنوان انعکاس شایعاتی درباره سازمان برنامه بیاناتی ایراد کردند از ایشان و از همه آقایانی که احیاناً راجع به سازمان برنامه بیاناتی ایراد و اظهار نظر میفرمایند کمال تشکر را دارم. از آن اینگونه مطالب در نظر اولیا سازمان برنامه ناشی از علاقه و توجه نمایندگان محترم به مهمترین مسائل کشور یعنی اجرای برنامه‌های عمرانی است

نماینده محترم فرمودند که تمام افراد مملکت نسبت به کار این سازمان منظون و مشکو کنند و ناراضی‌های فراوان دارند. در اینکه مردم بکار و اقدامات سازمان برنامه انتقاد دارند و خرده میگیرند جرفی نیست من خود پیش از ایشان باین واقعیت اذعان کرده بودم (احسنت) ولی باید دید چرا مردم به سازمان برنامه بدبین هستند اگر انصاف

بدهیم می بینیم که یک قسمت این بدبینی منبای دستی ندارد زیرا از یک سو بسیاری از خدمات سازمان برنامه از چشم مردم پنهان مانده و از سوی دیگر چون طرح‌های طولی مدت هنوز نمره خود را به بار نیاورده مردم تنگ حوصله و ملول شده اند و از این رو زبان بغیب جوئی گشوده اند

طرح‌های طولی مدت از قبیل سد ها و راه‌ها هر یک سالهائی می‌خواهند تا فوائد خود را عرضه کنند

البته این موضوع اختصاص بکشور ما ندارد. هر کشوری که به کارهای عظیم عمرانی دست زده است بیش و کم در معرض همین گفت و شنودها بوده است

خوشبختانه دوسه کار بزرگ سازمان برنامه به انتهای خود نزدیک میشوند. سد کرج در آستانه اتمام است و ساختمان سد سفید رود نیز تا یکسال دیگر خاتمه خواهد یافت

از طرف دیگر مردم از بسیاری از خدمات سازمان برنامه بیخبر مانده اند یا اطلاع نفاصی از آنها دارند (صحیح است)

شاید کم باشند کسانی که بدانند بوسیله سازمان برنامه تا کنون در ۹۰ شهر این کشور شبکه برق کشیده شده و هونور برق نصب گردیده در ۱۰ شهر لوله کشی آب شده است در ۷۰ شهر اسفالت خیابانها انجام یافته و به همت سازمان برنامه بالغ بر ۵۷۰ مدرسه در سراسر کشور ساخته یا تکمیل گردیده و ۴۳ بیمارستان و درمانگاه و آموزشگاه بهداشتی بوجود آمده

گذشته از این چند کارخانه قند با اعتبارات سازمان برنامه توسعه یافته و چند کارخانه سیمان تأسیس گردیده و با ایجاد چند کارخانه بافندگی و نساجی در تهران و شاهی و به شهر تولید نساجی کشور فزونی گرفته و محصول قند و شکر تصفیه شده از ۹۰ هزار تن به ۱۳۵ هزار تن رسیده نیز در شمال و جنوب با اجرای برنامه مبارزه با مالاریا عنقریب این مرض مهلک ریشه کن خواهد شد

با اعتبارات سازمان برنامه تا این تاریخ فریب ۱۰۰۰ کیلومتر راه اسفالتی و ۱۰۰۰ کیلومتر راه شوسه درجه ۲ ساخته شده. راه آهن میانه به تبریز و شاهرود به

مشهد کشیده شده و بنادر خرمشهر و شاهپور تکمیل گردیده است. فرودگاههای مهرآباد و آبادان ساخته شده و فرودگاههای شیراز و اصفهان تکمیل و تجهیز گردیده. خلاصه آنکه از اول برنامه هفت ساله دوم تا کنون جمعاً متجاوز از هفده هزار ریال به بودجه وزارتخانه های مختلف و دستگاههای دیگر دولتی و ملی از بودجه سازمان برنامه کمک شده.

نکته دیگر اینست که آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند که بازاریابی در ایران گرم است.

تهران شهر شایعه شده است هر روز خبر تازه ای اختراع میشود دهان بدهان میگردد و از تهران به شهرستانها و اغلب بخارج کشور انتقال مییابد.

من در اینجا بمنشأ و علل شایعات کاری ندارم آنچه میخواهم تذکار دهم این است که برای ما امکان تکذیب یا تأیید شایعه نیست.

مطلق و عقل نیز حکم نمیکند که هر يك از دستگاههای دولت اداره ای بنام تکذیب شایعه ایجاد کند و خود را ملغمه دست بدگویان و شایعه سازان و شایعه پراکنان سازد.

برای نمونه عرض میکنم که چندی پیش شایع شد که سد کرج ترك برداشته است حتی این شایعه بخد شایع رسید.

و حال آنکه هرگز چنین چیزی نبوده و از نظر علمی و فنی نمیتوانست درست باشد. سد کرج بمرحله نهائی ساختمان خود نزدیک میگردد. در کمال صحت و سلامت است و بزودی بهره برداری از آن آغاز خواهد گشت.

در حالیکه راجع به سد کرج که در جوار تهران قرار دارد هر کس هم امروز میتواند پیشرفت آنرا از نزدیک ببیند چنین شایعاتی پخش نمیکرد، در باره اموری که در مناطق دوردست جریان دارند به طریق اولی افق تحیل وسیع تر میتواند بود. ولی از طرف دیگر همانگونه که عرض شد نباید بدبینی مردم را نسبت به سازمان برنامه بی مبنا و اساس پنداشت.

مردم حق دارند از سازمان برنامه ناخشنود باشند

زیرا میبینند که مبلغ خرج شده وقت از دست رفته متناسب با نتیجه ای که حاصل میگردد نیست. (احسنت احسنت) گذشته از این مردم عقیده مند شده اند که سازمان برنامه تا کنون برای مهندسین مشاور و مقاطعه کاران خارجی سفره رنگین و پر نعمتی بوده است (صحیح است - آفرین) بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند از سال ۱۳۳۴ تا کنون ۶۵ هزار میلیون ریال در سازمان برنامه خرج شده و امروز نیز سازمان با مشکلات بزرگی مالی دست بگریبان است و بیم آن است که ناگزیر به تعطیل قسمتی از طرحهای خود گردد.

بامشاهده این وضع اسفناک البته نمیتوان قبول کرد که آنچه در گذشته صورت گرفته موافق با مصلحت و صرفه جوئی و دور اندیشی بوده است.

مثالی میآورم از محل پستوانه اسکناس ۳۵۰ میلیون تومان برای کمک به کارخانجات تخصیص داده شد و این مبلغ کشور را از نظر صنعتی در گرو کون ساخت و حال آنکه ما در سازمان برنامه نزدیک به بیست برابر این مبلغ خرج کرده ایم و اکنون وضع بدان گونه است که می بینیم.

(احسنت) من از منفی بافی بیزارم و در دوران زندگی خود همواره کوشیده ام که سازنده و مثبت باشم. لیکن بیان واقعیات با منفی بافی فرق دارد.

من منافع مملکت و مصالح ملت ایران را از هر چیز برتر میشمارم و در این راه از بیان هیچ واقعیتی هر چه هم که تلخ باشد خودداری نخواهم کرد.

چند سال پیش که بعنوان عضو هیئت نظارت سازمان برنامه تذکارهایی دادم و انتقادهائی کردم قسمتی جز خدمت نداشتم ایکاش آن روز اشتباه کرده بودم و پیش بینی های من بحقیقت نبیوسته بود زیرا در این صورت مردم کمتر زیان می دیدند و خسارت می بردند.

سرپرست سازمان برنامه یکی از بزرگترین مسئولیتهای این مملکت را بر عهده دارد یعنی مسئولیت عمران و آبادی ایران.

شاهنشاه برای اجزای این امر مهم باین خدمتگزار اعتماد فرموده اند و من بحکم دولتخواهی و وطن دوستی باید بکوشم تا شایسته این لطف و اعتماد باشم

وازهیکچگونه مانعی نهراسم. من بصراحت اعلام میکنم که برنامه هفت ساله دوم با کامیابی همراه نبوده است و این عدم توفیق غلت‌های گوناگونی داشته :

اول آنکه ضمن اجرای طرحها غالباً اجرای طرحی را موقوف گذارده و انجام طرح دیگری را مرجع داشته‌اند چنین بنظر میرسد که در سازمان برنامه دست بکارهایی زده شده که بعضی از آنها در درجه اول لزوم و اهمیت نبوده من شخصاً با اجرای طرحهای عظیم و دراز مدت مخالف نیستم. هر کشوری نظیر ایران به اجرای اینگونه طرحها احتیاج دارد ولی بشرط آنکه مقتضیات زمان و مکان بخوبی سنجیده شود یعنی سه عنصر نوع طرح و زمان اجرا و محل اجرا و یک لزوم خود را مبرهن و مسلم سازند و سپس امکانات اجرایی مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و یقین حاصل گردد که اجرای این طرح بخصوص کارهای فوری تر و ضروری تری را بتعویق نخواهد افکند.

دوم آنکه در انعقاد بعضی از قراردادهائی که از ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ بسته شده کمتر مصلحت و منفعت ایران رعایت گردیده است. در برخی از قراردادهای مهندسی مشاور گاه گاه بموادی برمبخوریم که مایه حیرت است و سازمان را بامشکلات فراوانی روبرو کرده.

علاوه بر این اغلب قراردادهای اسراف و تبذیر میرا نیست فی المثل در یکی از این قراردادها سازمان تقیل کرده است که علاوه بر پرداخت کلیه مخارج مطالعه و طراحی و نقشه برداری و پرسنلی و مهندسی و نظارت تا صد و پنجاه درصد میزان افلامی که بوسیله خود مهندس مشاور خرج شده بعنوان مخارج اداره مرکزی آن مهندس مشاور که در اروپا واقع شده بپردازد.

بدیهی است که در این صورت مهندس مشاور باید بی اندازه پارسا باشد تا به منظور دریافت حق الزحمه بیشتری پایه مخارج را بالا نبرد.

در موارد دیگر که نظارت با مهندس مشاور است و حق الزحمه او بر حسب میزان مخارج اجرایی پرداخت میگردد، هیچگونه معیار و حدیثی تعیین نشده تا مهندس مشاور نتواند بخاطر دریافت حق الزحمه بیشتری به تصدیق

و تأیید افلام خرج نامتناسب بپردازد.

در ظرف مدت چندسالی که از عمر برنامه هفتساله دوم میگذرد تا اول سال جاری متجاوز از پانزده هزار میلیون ریال بوسیله قریب بیست مؤسسه مهندسی مشاور خارجی خرج شده که قسمتی از حسابها واریز شده و بقیه بایستی تصفیه گردد البته واریز حسابی که بعمل آمده مطابق قراردادهائی است که با آنها منعقد شده آنگونه قرارداد هائی که در اصطلاح حقوق فرار داد (ناپرابر) نامیده میشوند و نمایندگان محترم کم و بیش باحوال و چگونگی آنها اطلاع دارند.

راجع به نحوه انعقاد و کیفیت قراردادهای موزدی را بعنوان مثال ذکر میکنم.

باز ذکر نکاتی از این قرارداد که نمونه داخل را می باشد قراردادهائی است که بر دوش سازمان برنامه سنگینی میکنند توجه خواهند فرمود که چگونه مصلحت و اختیارات سازمان بخداقل تنزل داده شده است.

این قرارداد است که بایکی از مؤسسات مشاور خارجی انعقاد یافته و با آنکه از سال ۱۳۳۵ تا کنون متجاوز از هفت هزار میلیون ریال یعنی هفتصد میلیون تومان پول باین مؤسسه پرداخت شده حتی باندازه ده ریال هم حساب تسویه نگردیده است زیرا دریافت کننده و خرج کننده وجوه مدعی است که چون صورت مخارج را بسازمان برنامه تسلیم نموده و مدت شصت روز مهلت اعتراض هم گذشته است دیگر جای هیچگونه گفتگوئی باقی نبوده و حساب تمام منتصد میلیون تومان دریافتی او بایستی تصفیه شده تلقی شود و حال آنکه چون هیچ نوع سند خرجی باصورت حسابها همراه نبوده حسابها اصلاً قابل رسیدگی نیستند تا در صورت لزوم نسبت با آنها اعتراض شود. اینجا باید توضیح عرض کنم باین مهندس مشاور قرارداد بستند که هر چه که احتیاج دارد قبلاً صورت بدهد پولی که لازم دارد بعنوان مساعده پرداخت کنیم و اوصورت خرج بدهد صورت خرج بپذیرفته است نه سند خرج البته مؤسسه من بوریات کاقراردادهائی که طی سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ با سازمان منعقد نموده و ضمن آنها اختیارات بی موردی باو داده شده و اختیارات سازمان به کمترین حد تنزل یافته تا کنون رضایت نمیداده که اسناد را بمانحویل دهد ولی

گذشته از این با استفاده از سد سفیدرود میتوان در حدود ۸۷ هزار کیلووات برق تولید کرد و بمصرف روشنائی استان گیلان رسانید.

میزان آب سفیدرود گاهی از اوقات از ۱۵۰ هزار شاید مقدار آب در فصل بهار تا تابستان به یک چهلیم تقلیل پیدا کند یعنی از ۱۵۰ هزار متر مکعب در نائیه به ۴ هزار متر مکعب تقلیل پیدا کند ولی سد سفیدرود حالا دیگر ساخته شده و جریان آب را طوری تنظیم خواهد کرد که در اوائل تابستان و اواخر بهار یک نواخت باشد. نکته دیگری من باب مثال عرض کنم بر آورد ساختمان سفیدرود ابتدا ۱۳۰ میلیون تومان بوده ولی تا امروز ۳۱۰ میلیون تومان خرج شده و هنوز ۱۴۰ میلیون تومان دیگر باید خرج کنیم تا سد تمام شود.

(یک نفر از نمایندگان در گیلان این برق مصرف دارد؟)
این برق هم به فروین داده خواهد شد هم به گیلان و هم تمام طول راه چه بخوانند چه نخواهند این برق تولید میشود تا وقتی فشار آب هست برق تولید خواهد شد.

بهر حال لزوم و وجوب ساختمان سد سفیدرود سد دز و سایر سد هایی که ساختمان شده یا در دست ساختمان هستند بر کسی پوشیده نیست ولی در عین حال باید معلوم شود که آیا مخارج صرف شده با کار انجام یافته متناسب هست یا خیر؟ در یک کشور هم زمان با اجرای پروژه های کوچک و کوتاه مدت دست زدن به برنامه های بزرگ تولیدی و عمرانی نیز ضروری است چه همانطور که شهر های کوچک و بزرگ کشور به آب و برق و اسفالت احتیاج دارند همانگونه سد های عظیم و تأسیسات بزرگ نیز مورد نیازمندی است.

از ذکر این نکته نیز ناگزیر هستم که با آنکه سازمان بموجب بند ۷ و ۶ ماده اول لایحه قانون سازمان برنامه و بند ۷ ماده ۹ قانون برنامه هفتساله دوم موظف بوده است که هر سال یکبار گزارش کاملی مشتمل بر حساب درآمد و هزینه سالانه با توضیح افزایشی که بر اثر اجرای برنامه ها در امور تولید و درآمد عملی حاصل شده و اشکالاتی که در راه برنامه وجود داشته تنظیم و بدولت و کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی تقدیم کند و مفاصا حساب دریافت

تازه موافقت نموده است که عکس اسناد را بمنظور بایگانی (نه رسیدگی) بایران بفرستد.

اما نظر او هیچ گاه مورد موافقت سازمان برنامه قرار نخواهد گرفت و مادامیکه عین سند از طرف شرکت مزبور دریافت نگردیده و بماهیت کلیه مخارج رسیدگی نشود وی مسئول وجوه دریافتی شناخته خواهد شد هیأت نظارت فشار آوردهند حالا که صورت خرج را نمیدهند و سند خرج نمیفرستند پس مواظب باشید مقررات مازار رعایت کنند.

هم چنین لازم است بعرض برسانم که بنا بر اساس قرار دادماده ای گنجانده شده است مبنی بر اینکه تمام مقررات و قوانین حاکم بر سازمان برنامه باید مورد رعایت مهندس مشاور باشد و بموجب همین ماده حق رسیدگی کامل حسابها برای سازمان محفوظ می ماند. گذشته از این اصل کلی حقوقی اینست که هر مؤسسه یا فردی که با کشوری قرار داد می بندد خواه ناخواه تابع قوانین موضوعه آن کشور است.

بدیهی است که مؤسسه مشاور یا مقاطعه کار را نمی توان چندان گناهکار دانست.

جوابگوی واقعی مسئول وقت سازمان برنامه است که چنین قرار دادهای نامطلوبی را با این گونه مؤسسات منعقد نموده.

حاجت به تذکر نیست که من نتیجه این رسیدگی ها را بعرض مجلس خواهم رساند و اگر در عمل بامشگلی بر خورد نمایم جریان را بتفصیل معروض خواهم داشت.

آقای دکتر موسوی ضمن بیانات خود از سفیدرود نام برده اند این سد بطور کلی دو وظیفه مهم انجام خواهد داد اول آنکه طبق پیش بینی در آتیه یعنی زمانی که شبکه های توزیع آب تکمیل گردند مساحت کشت گیلان را از ۱۳۰ هزار هکتار به ۲۴۰ هزار هکتار خواهد رسانید دوم آنکه جریان آب را تنظیم خواهد کرد بطوریکه مقدار آب جاری در تمام مواقع سال یکسان باشد و در اواخر تابستان و پائیز که آب رودخانه کم میشود مصرف کنندگان دچار بی آبی نگردند.

است و اگر قوای آن مقداری از طریق صرفه جوئی ترمیم و حفظ نگردد از اجرای طرحهای فوری و ضروری ناتوان خواهد بود و شهرستانها مانند سابق دچار کمبود آب و برق و سایر حوائج اولیه خواهند ماند (صحیح است).

در مورد امور شهر سازی خوبست بعضی آقایان برسانم که نظر اینجانب بر این است که انجام امور مربوط بتأمین آب و برق و اسفالت و سایر حوائج و نیازمندیهای شهرستانها را به خود انجمن های شهر و شهرداریها محول نمائیم بدین ترتیب که سازمان سهم ۵۰ درصد خود را بحساب مشترکی که بامضای شهرداری در بانک محل باز میشود بریزد و شهرداریها نیز در باره وجوه تمهید شده خود بهمین طریق رفتار کنند.

نشر آگهی مناقصه و انتخاب مقاطعه کار نیز با خود شهرداری باشد و نقش سازمان بر نامه به نظارت فنی و بر آورد کار انجام شده و پرداخت وجوه از همان حساب مشترک محدود گردد.

من امیدوارم که نمایندگان محترم باتفاق هم ممدردی کامل باین نکات توجه کنند و همانگونه که انتظار می رود از چهار جوئی و ارائه طریق دریغ نفرمایند البته از اول عملی که شده غلط بوده برای خود خواهی یا کوئسیسم زیاد از حد کارها را سازمان بر نامه کشانده اند و در نتیجه هم کارها دیرتر انجام شده و هم فریاد مردم بلند شده است حالا این عمل را بر میگردانیم بخود شهرها چون آنها خودشان با آشنائی که بمحل دارند کار خودشان را بهتر انجام می دهند زیر نظر انجمن شهر و ما هم نظارت می نمائیم (احسنت)

در مورد وضع مالی سازمان بر نامه همانگونه که عرض شد ما اکنون در مضیقه شدیدی بسر میبریم و درآمدهای سازمان بر نامه بهیچوجه کفاف مخارج و تعهدات آنرا نمیدهند و از این جهت چه بسا که بمتوقف گذاردن بعضی از پروژه های خود ناگزیر شویم و یا اینکه برای جبران چهار صد تا پانصد میلیون تومان کسری خود در صورت امکان اعتباری از خارج تحصیل کنیم.

نمایندگان محترم خوب میدانند همه کشورهایی که

دارد، تاکنون باین تکلیف عمل نشده و حساب هیچ سال تصفیه و واریز نگردیده و هیچگونه مفاصا حسابی تحصیل نشده است در قانون بر نامه قید شده است که سازمان بر نامه مکلف است حساب هر سال را تا آخر خرداد سال بعد تنظیم کند و بدولت بدهد و مفاصا حساب بگیرد الان ۶ سال از عمر بر نامه هفت ساله دوم میگذرد تا امروز حتی برای یکسال هم تسویه حساب نشده است، یعنی حسابها طوری بوده که هیأت نظارت آنرا قابل تصدیق ندانسته و بدولت تقدیم نکرده تا دولت رسیدگی بکند. من خواهی کوشید که بکلیه امور رسیدگی شود و همه ارقام از دفاتر استخراج گردد و طی گزارش مفصلی به استحضار مجلس برسد.

بحساب المیه مهندسین مشاور و مقاطعه کاران خارجی رسیدگی خواهد شد. هم اکنون هیئت هائی از صاحبمنصبان بصیر و بینظیر سازمان مأمور شده اند که در این باب مطالعه و تحقیق کنند. نه من و نه هیچ یک از مأمورین دیگر در وظیفه ای که بر عهده گرفته ایم غفلت و قصور نخواهیم کرد و دره ای تحت تأثیر افسوس یا خرابکاری معاندین و سود طلبان قرار نخواهیم گرفت.

در حال حاضر در سازمان بر نامه بطور متوسط روزی ۵ میلیون تومان خرج میشود که از این ۵ میلیون حداقل یک میلیون تومان آن بجهت مهندسین مشاور میرود البته پیداست که هر کس بخواهد بکار آنها رسیدگی کند چهار چه محظوری خواهد شد.

نمایندگان محترم تصدیق دارند که اشخاص و عواملی هستند که با چنین تحقیق و تجدید نظری بشدت مخالف هستند و برای آنکه بمنافعشان نظم موارد نیاید و از عواید سرشارشان چیزی کاسته نگردد به انواع وسائل متشبث خواهند شد و بکار شکنی و جنگ اعصاب دست خواهند زد ولی من به پشتیبانی مجلس محترم مستظهرم (احسنت - احسنت).

ولی ما چاره دیگری نداریم زیرا از یکطرف پای حفظ سرمایه ملی در میان است و از طرف دیگر سازمان از حیث مالی در مضیقه جان فرسائی

هنوز بمرحله صنعتی ورشد کافی نرسیده اند بواو کمک خارجی احتیاج دارند و حتی يك نمونه هم در بین ممالک آسیائی و آفریقائی و آمریکای لاتین نمیتوان پیدا کرد که از این امر بی نیاز مانده باشد همه حرف بر سر نحوه خرج وام است که در راه بهبود زندگی مردم صرف شود یا آن که تلف گردد.

این مطلب را نیز خوبست باستحضار نمایندگان محترم برسانم که بانك بین المللی ضمن تلگراف نامه ای که همین دو روز فرستاده است بامدا کرده مجدداً باره وام ۱۲ میلیون دلاری ساختمان و توسعه بندر عباس موافقت کرده است و امیدمیرود که این مذاکرات ب نتیجه برسد و ساختمان اسکله بندر عباس بمرحله اجرا درآید، زیرا این بندر خدمات بزرگی میتواند انجام دهد در صورتیکه امکان افزایش صادرات مواد معدنی ناحیه مکران و بلوچستان از طریق بندر عباس فراهم گردد پولی که برای تجهیز و توسعه بندر بخرج برسد تنها در ظرف چند سال مستهلك خواهد شد.

تا زمانیکه اینجانب سرپرستی سازمان برنامه را بعهده دارم میتوانم اطمینان بدهم که از هر گونه عمل خلاف مصالح ملی و خلاف مقررات احتراز خواهد شد.

از این پس دولت و مجلس مرتباً در جریان کارهای سازمان خواهند بود و هیچ امری از امور این دستگاه از چشم ملت پنهان نخواهد ماند.

در جلسات گذشته و جلسه امروز آقای مهندس والا همچنین آقای دکتر موسوی وغالب نمایندگان محترم نسبت به بنده اظهار لطف و محبت و حسن نظر کرده اند از همه آقایان کمال تشکر را دارم امیدوار هستم عملی طور باشد که این لطف و محبت نه تنها باقی بماند بلکه هر روز اضافه شود. فرمایشات آقای مهندس والا درباره خلخال نه تنها قابل نفی نیست بلکه قابل تصدیق است و در مورد غالب شهرها همینطور است منتهی در برنامه سوم احتیاجات غالب ولایات مملکت تأمین شده است و برنامه سوم پس از اینکه در کمیسیون برنامه رسیدگی شد خلاصه ای از آنرا به مجلس علنی عرض خواهم کرد تا هر نظری در آن باب بپیشنهاد شما اجرا کنیم.

نایب رئیس - بسیاری از آقایان محترم درخواست اجازه صحبت کرده اند که مربوط به سازمان برنامه و گزارشی که از طرف آقای وزیر مشاور داده شد مطالبی

یاد فرمایند. البته این موضوع در دستور نیست اگر در دستور میبود به آقایان حوق داده میشد هر يك از آقایان بنوبه خود مطالبی ایراد فرمایند آقای وزیر مشاور اینطور اظهار نظر کردند که در آینده نزدیکی هم مجدداً گزارش خواهند داد امیدوارم که مجلس از کارهای داخلی خود فارغ باشد آنوقت بنا بدرخواست آقایان بوجه تصمیم مجلس شورای ملی موضوع سازمان برنامه مطرح میشود ولی اینك مطرح نیست چون مسلم است که انجام وظایف سازمان برنامه که باتولید و عمران کشور بستگی دارد مورد علاقه کامل اعلیحضرت همایونی و عموم ملت ایران و نمایندگان محترم است و تصمیمی که برای عمران شهرستانها در نظر گرفته شده است از نظر سرعت کار و انجام آن بدست مردم بسیار تصمیم مفید و لازمی است. از خداوند متعال خواستاریم که آقای آرامش که دارای حسن نیت هستند و از مردمان و رجال آزموده هستند بر مشکلات فائق آیند و مویجات جلب رضایت عامه را فراهم فرمایند. (انشاء الله)

نایب رئیس - آقای فرامرزی اگر در این خصوص مطلبی دارید عرض کردم که قابل طرح نیست فرمایش دیگری دارید؟ بفرمائید.

فرامرزی - عرض کنم الان مرا از مسجد سلیمان پای تلفن خواستند و گفتند که در مسجد سلیمان برای اعتراض به انتخاباتش تعطیل عمومی کرده اند و تمام کارگراها دست از کار کشیده اند و برای ساعت چهار بعد از ظهر من و آقای صالح را خواسته اند پای تلفن حضوری که چون بنده در تهران نخواهم بود عذر خواستم با آقای صالح اطلاع میدهم که تشریف ببرند خواستم بگویم مجلس هست و بناید انتخابات یا رعایت قانون و حقیقت انجام بشود.

۷ - اجرای مراسم تحلیف بوسیله سه نفر از آقایان نمایندگان

نایب رئیس - اجرای مراسم سوگند بوسیله آقایان دکتر حباس حاتم و میراشرافی و مهندس اسفندیار یکگانگی بعمل خواهد آمد (در این موقع کلام الله مجید را با احترامات لازمه به تالار مجلس آورده و در محل نطق قرار داد و آقای دکتر حاتم قسم نامه را بشرح ذیل قرائت و امضاء نموده و

آقای میراشرافی نیز قسم نامه را امضاء نمودند)

ما اشخاصی که در ذیل امضاء مینمائیم خداوند را بشهادت می طلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی که بما رجوع شده است. مهم امکان با کمال راستی و درستی و جدوجهد انجام بدهیم و نسبت با علیحضرت شاهنشاه متبوع، عادل، مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران (آقای مهندس اسفندیاری گانگی قسم نامه را بشرح ذیل قرائت و امضاء نمودند)

من که در ذیل امضاء مینمائیم خداوند را بشهادت می طلبیم و در مقابل قرآن مجید به زند و اوستا قسم یاد میکنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده است. مهم امکان با کمال راستی و درستی و جدوجهد انجام بدهم و نسبت با علیحضرت شاهنشاه متبوع، عادل، مفخم خود صدیق و راستگو باشم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ نظری نداشته باشم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران.

۸. تصویب نمایندگی آقایان: ابدال بختیار و فلیکس آقایان

نایب رئیس - آقای طهماسبی بقرمائید برای قرائت گزارش شعبه پنجم (آقای طهماسبی منشی شعبه پنجم گزارش انتخابات شوشتر و نمایندگی آقای ابدال بختیار را بشرح ذیل قرائت نمودند)

پرونده انتخاباتی حوزه شوشتر در دوره بیستم قانونگذاری حاکیست با استناد ماده ۱۴ قانون انتخابات در تاریخ ۱۶/۱۱/۳۹ از طبقات ششگانه معتمدین محل دعوت بعمل آمد پس از انجام کلیه تشریفات قانونی روزهای ۲۹ و ۳۰ و ۱۱/۱۲/۳۹ برای اخذ رأی تعیین و از جمع ۸۳۷۱ رأی مأخوذه آقای ابدال بختیار با کثرت ۵۲۵۶ رأی بنمایندگی دوره بیستم مجلس شورای ملی انتخاب شدند در مدت قانونی سه بر که اعتراض بانجمن واصل که مرده شناخته شد در تاریخ ۱۷/۱۲/۳۹ انجمن اعتبارنامه بنام ایشان صادر و انحلال خود را اعلام

داشت.

پس از رجوع پرونده شعبه پنجم و رسیدگی بشکایات رسیده و مطالعه کامل پرونده شعبه صحت جریان انتخابات بیستمین دوره قانون گذاری حوزه شوشتر و نمایندگی آقای ابدال بختیار را تأیید و اینک گزارش آنرا برای تصویب تقدیم میدارم.

نایب رئیس - چون اعتراضی نشده، لذا نمایندگی آقای ابدال بختیار تصویب میشود (نمایندگان - مبارک است) حالا گزارش شعبه اول را راجع بنمایندگی آقای فلیکس آقایان بوسیله آقای دکتر تفضلی قرائت میشود.

(آقای دکتر تفضلی گزارش شعبه مر بوط با انتخابات ارامنه مر کز و شماک و نمایندگی آقای فلیکس آقایان را باین شرح قرائت نمودند)

طبق محتویات پرونده انتخابات ارامنه مر کزی و شمال کشور در اجراء قانون انتخابات طبق دعوت فرمانداری تهران در تاریخ ۱۸/۱۱/۳۹ - ۳۳ نفر از طبقات ششگانه و معتمدین در عمارت فرمانداری اجتماع کردند و از بین خود اعضاء انجمن مر کزی را تعیین نمودند و انجمن مر کزی پس از انتخاب هیئت رئیسه و تعیین انجمنهای فرعی و انجام سایر تشریفات قانونی مدت ۵ روز از تاریخ ۲۱ بهمن ۳۹ جهت توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین گردید و پس از اخذ و قرائت آراء آقای فلیکس آقایان با کثرت ۷۶۷۵ رأی از مجموع ۷۷۵۵ رأی مأخوذه بنمایندگی ارامنه مر کزی و شمال ایران انتخاب شده ضمناً آراء مأخوذه در رشت و اهر چون در وقت مقرر بانجمن مر کزی نرسیده محسوب نگردیده است و چون در ظرف هفته قبول و رسیدگی بشکایت هیچگونه شکایتی بدفتر انجمن واصل نگردیده انجمن در تاریخ ۱۷/۱۲/۳۹ اعتبارنامه بنام ایشان صادر و انحلال خود را اعلام کرده است.

شعبه اول در جلسه مورخه ۲۷/۱۲/۴۰ پرونده مزبور را مورد رسیدگی قرار داد و چون هیچگونه اعتراض و شکایتی در موعده مقرر بدفتر مجلس شورای ملی واصل نشده بود صحت جریان انتخابات ارامنه مر کزی و شمال و نمایندگی آقای فلیکس آقایان را تأیید نمود اینک گزارش آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم می دارد.

نایب رئیس - گزارش کمیسیون تحقیق راجع به نمایندگی آقای جمال اخوی که مورد اعتراض آقای صالح قرار گرفته بود مطرح است. فرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد).

اعتبارنامه آقای جمال اخوی نماینده تهران بعلت مخالفت آقای اللهیار صالح. به کمیسیون تحقیق ارجاع گردید ابتدا کمیسیون تصمیم گرفت کتباً نظرات معترض را دریافت و بهمین منظور در تاریخ ۲۱ اسفندماه ۳۹ شرحی به آقای اللهیار صالح نوشته شد که اعتراضات خود را کتباً به کمیسیون تسلیم دارند و ایشان در تاریخ ۱۳۳۹/۱۲/۲۵ پاسخی در این مورد بکمیسیون ارسال داشتند و کمیسیون تحقیق پس از خاتمه تعطیلات فروردین در تاریخ ۴۰/۱/۲۴ تشکیل و با ملاحظه مرقومه مورخ ۱۳۳۹/۱۲/۲۵ آقای اللهیار صالح مقرر شد طرفین برای ادای توضیحات در کمیسیون حضور بهم رسانند و جلسه کمیسیون تحقیق مجدداً در تاریخ ۱/۲۸/۴۰ تشکیل و پس از استماع توضیحات طرفین بشرح مندرج در صورت جلسه کمیسیون ملخص اعتراضات آقای اللهیار صالح بانتخاب آقای جمال اخوی بشرحی که در نامه مورخ ۳۹/۱۲/۲۵ نگاشته و در کمیسیون تحقیق هم بتفصیل توضیح داده اند دو قسمت است:

۱- نحوه انتخابات تابستان گذشته که آقای جمال اخوی ریاست انجمن نظارت آنرا عهده دار بود باند.

۲- وضع انتخابات اخیر و اینکه آقای جمال اخوی برای کاندیدا بودن خود اعلامیه ای نداده است.

و چون هیچیک از ایرادات مذکور بنظر اعضای کمیسیون تحقیق وارد و مستدل نبود لذا باتفاق آراء اصحت جریان انتخابات و نمایندگی آقای جمال اخوی در کمیسیون تحقیق بتصویب رسید و اینک گزارش آنرا تقدیم میدارم.

نایب رئیس - آقای صالح بفرمائید.

اللهیار صالح - در جلسه ۲۳ اسفند ماه مجلس شورای ملی که بنده مطالبی در مخالفت با برنامه دولت اظهار کردم بعضی از آقایان ظاهراً ناراحت شدند، ولی اکثر آقایان محترم بعراض من گوش دادند. ریاست محترم مجلس هم از ایجاد تشنج و اخلال نظم جلوگیری فرمودند، و موجب تشکر بنده شدند. البته یک نفر از

نایب رئیس - چون اعتراضی بحریان انتخابات اراهنه و نمایندگی آقای فلیکس آقایان نشد نمایندگی آقای فلیکس آقایان تصویب میشود (نمایندگان - مبارک است).

۹- طرح گزارش شعبه دوم راجع بانخابات کلیمیان و نمایندگی آقای مراد اریه و ارجاع به کمیسیون تحقیق

نایب رئیس - آقای مهندس کیا.

(آقای مهندس کیا گزارش شعبه دایر بانخابات کلیمیان و نمایندگی آقای مراد اریه را بشرح زیر خواندند) پیرونده انتخابات بیستمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی اقلیت کلیمیان حاکی است که برحسب ستور شماره ۲/۲۶۶۳ وزارت کشور فرماندار تهران در تاریخ ۲-۴-۱۳۳۹ از ۳۶ نفر طبقات ششگانه و معتمدین محل دعوت بعمل آورد که پس از انتخاب اعضاء اصلی انجمن نظارت مرکزی انتخابات و هیئت رئیسه و ترتیب تشکیل انجمنهای فرعی مدت سه روز از تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۹ برای توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین گردید در این مدت مجموعاً ۶۸۷۸ رأی اخذ گردید که پس از فرائت اراء مأخوذه آقای مراد اریه با اکثریت ۶۲۴۰ رأی بنمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شدند.

انجمن مرکزی انتخابات ضمن اعلام نتیجه انتخابات مدت یک هفته برای دریافت شکایات و رسیدگی بان تعیین وقت نمود که در این مدت فقط یک فقره شکایت بانجمن رسید که پس از رسیدگی وارد تشخیص داده نشد لذا انجمن اعتبارنامه بنام آقای مراد اریه صادر و اخلال خود را اعلام نمود.

شعبه دوم پس از رسیدگی به پیرونده چون در مدت قانونی شکایتی بمجلس نرسیده لذا اصحت انتخابات بیستمین دوره مجلس شورای ملی اقلیت کلیمیان و نمایندگی آقای مراد اریه را تأیید نمود.

نایب رئیس - آقای پزشکی

پزشکی - مخالفم.

نایب رئیس - چون از طرف آقای پزشکی اظهار مخالفت شد لذا به کمیسیون تحقیق ارجاع میشود.

۱۰- طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع بان انتخاب آقای جمال اخوی از تهران و تصویب آن

حاضران در آن جلسه و جلسه دیگر گفتار و رفتاری برخلاف اصول ادب ابراز کرد. لکن بنده در مقابل قول و عمل امثال ایشان خاموشی اختیار نمودم، و شاید در آتی نیز از همین روش پیروی کنم.

در مقدمه بیانات امروز خود لازم میدانم صادقانه به مرض برسانم که ملت ایران از این مجلس بسیار ناراضی است (کازم مسعودی - از شما چطور؟) اکثریت قریب باتفاق مردم این کشور بر اثر فشار طاقت فرسائی که از عدم آزادی و تباهی دستگاه بر آنان تحمیل شده يك حالت بستوه آمدگی در روح خود احساس میکنند که اگر وسائل و موجباتی برای رفع آن فراهم نگردد و آبی بر آتش التهابات روحی و فکری آنان ریخته نشود ممکن است آثار نامطلوبی بروز کند و عواقب وخیمی ببار آید پس بر نمایندگان محترم بیش از هر کس واجبست که در جلب رضای مردم بکوشند، مطالب حق را بگویند، و بعناصر موافق و مخالف مجال و فرصت دهند که همه بتوانند حرف خود را بزنند و حقایق را چنانکه هست باز نمایند و دردها را تشریح کنند بی آنکه با برآشفتهگی‌های سبکسرانه مواجه گردند. اگر غیر از این کنند عقده - هائیکه در دل مردم بوجود آمده گشوده نخواهد شد و این گشوده نشدن عقده‌ها خطر هائی در بردارد.

مجلس فعلی با آن همه فریاد اعتراض که نسبت به کیفیت انتخاب نمایندگان از جانب ملت برخاست و هر روز صحبت انحلالش بر سر زبانهاست لااقل باید آزادی بحث و انتقاد را کاملاً در داخل خود رعایت و تأمین کند. نارشادت تمام در جلب اعتماد ملت بکوشد (کازم مسعودی - شما کرده تا کار برای کاشان کردید بگوئید) افکار عمومی را با حق کوئی و حق طلبی جلب کند. اگر نه مصلحت مملکت و صلاح خود آقایان این خواهد بود که هر چه زودتر منحل شود.

در هر صورت بنده بیاری خداوند متعال بوظیفه خود تا آنجا که بتوانم عمل خواهم کرد، و بهمین دلیل است که با اعتبارنامه و کیل اول تهران آقای جمال اخوی مخالفت نمودم و امروز مطالبی بغایت اجمال در علل مخالفت خود عرض میکنم. شاید محتاج بتذکار نباشد که این مخالفت بهیچوجه

ناشی از خصومت یا کدورت شخصی نیست زیرا بشهادت خود ایشان درسی و چندسال آشنائی که باهم داشته‌ام حتی مختصر سوء تفاهم خصوصی بین ما روی نداده است (کازم مسعودی - دست خوش بابا) بنده بر حسب وظیفه وجدانی خود موظف بودم که اعتراض ملت را نسبت بسوء جریان انتخابات گذشته در اولین فرصت از پشت این تریبون اظهار کنم، و روزیکه اعتبار نامه‌ها مطرح بود با حال بیماری بمجلس آمدم، و چون وضع مزاجی من اجازه نمیداد که در مجلس بمانم فقط گزارش انتخابات تهران و اعتبارنامه آقای جمال اخوی را برای ابراز مخالفت اختیار نمودم. چه آنرا مظهر انتخابات بسیاری از نقاط مملکت میدانم (کازم مسعودی - یکی هم کشان است) بحث راجع بصلاحت نمایندگی آقای جمال اخوی از دو جهت قابل توجه است: اول از جهت اینکه ایشان در انتخابات تابستانی تهران رئیس انجمن نظارت بودند دوم از آن جهت که در انتخابات زمستانی پایتخت مقام و کیل اول را احراز کرده‌اند!

راجع به قسمت اول اینکه انتخابات تهران در زمان ریاست ایشان با چه فضیحت و رسوائی صورت گرفت احتیاج بتوضیح نیست. زیرا دلایل و اسناد و مدارک و قرائن مربوط باین قضیه به بهترین وجه مشهود خاص و عام گردیده است قطع نظر از شکایات بی حد و حصری که از طرف طبقات مختلف مردم بانجمن نظارت تهران تسلیم گردید و عکسهای متعدد که از صحنه های مضحک انتخابات برداشته شد و مقالاتیکه در مطبوعات داخلی با وجود تضيقات گوناگون منتشر شد و مطالبی که در روزنامه‌ها و مجلات خارجی صریح و آشکارا در عدم آزادی انتخابات و اعمال تهدید و ارباب منعکس گردید در دادسرای تهران و شعبه ۱۹ بازپرسی هم پرونده جزائی علیه انجمن نظارت تشکیل شد که شنیدم برای صدور قرار مجرمیت هم حاضر بوده است. با اینهمه آقای جمال اخوی بهیچیک از اعتراضات و شکایات ترتیب اثر نداد و جریان انتخابات را قانونی قلمداد کرد و بکارهای غیر قانونی خود ادامه داد تا اینکه بر اثر استعفای عده بسیاری از رؤسا و اعضاء انجمن های فرعی و شدت اعتراضات و اوج

و آگهی‌های مربوط بجلست سخنرانی و اعلانات انتخاباتی
جبهه ملی را در مقابل دریافت قیمت آگهی منتشر سازند.
افرادی را که در خیابانها بیخس دعوت نامه‌های
انتخاباتی می‌پردازند انهایت خشونت بازداشت می‌کردند و
بکالانتریها می‌بردند.

دانشجویان و بازاریان و سایر مبارزان آزادی
را که برای استیفای حق خود برافزاده بودند بطور دسته
جمعی توقیف می‌کردند.

روزنامه‌هایی مانند روزنامه دان و علم و زندگی را
که در صد باز نمودن کیفیت اوضاع و بیان افکار آزادیخواهان
و انتشار حقایق برآمدند توقیف کردند.

در تاریخ یکشنبه نهم بهمن ماه (سه روز قبل از اخذ
آراء) برخلاف موازین قانونی شبانه باشگاه جبهه ملی را
بوسیله مأموران انتظامی و افسران شهربانی اشغال کردند.
در بازار تهران دسته‌های مسلح بسلاحهای سرد و گرم
بگردش رفت و آمد پرداختند و اشخاص را با ذکر نام و
نشان مورد تهدید قرار دادند.

ماده ۴۴ قانون انتخابات مجلس شورای ملی می‌گوید
• انتخاباتی که مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه
اعتبار ساقط است. آیا آقای علی معتمدی رئیس انجمن
نظارت که اعتبارنامه آقای جمال اخوی و سایرین را امضا
کرده از محیط از غاب و تهدید بی‌خبر بود؟

آیا کامیونهای قوای انتظامی را که در روز روشن حامل
دانشجویان و روشنفکران بزندان بودند ندید؟

آیا از هجوم چاقو کشان بمحل میتینگ انتخاباتی
و شکستن در باشگاه جبهه ملی بقصد برهم زدن میتینگ
بی‌خبرماد؟

آیا صقیر گوش خراش ماشینهای پلیس و حمله
قوای انتظامی را بر مردم، مردمی که فقط خواستار آزادی
انتخابات بودند نشدید و ندید؟

آیا از واقعه نیمه شعبان در میدان ارگ و بستن در
خانه خداو شتم و ضرب و جرح مردم آگاه نشد؟

باری نتیجه‌ای که می‌بایستی در تجدید انتخابات
بدست می‌آمد عاید نشد، و اساسی‌ترین حق مات یعنی حق
انتخاب کردن و انتخاب شدن را پامال کردند.

در انتخابات تهران بر حسب موازین آمار بایستی

گرفتن رسوائی انتخابات و اداراستعفا گردید و انجمن که
بعداً بریاست آقای علی معتمدی تشکیل شد آراء مأخوذه
در زمان ریاست آقای جمال اخوی را که در حدود شصت هزار
آن قرائت شده بود باطل و کان لم یکن اعلام کرد!

آقای جمال اخوی که عمری را در داد گستری بسر
آورده‌اند در نتیجه بی‌اعتنائی بشکایات مردم و عدم رعایت
اصول و موازین مربوط بحسن اجرای قانون انتخابات و
جلوگیری نکردن از تصویب حقوق قانونی مردم موجب
خسارات مادی فراوان و لطافات معنوی بیشتر گردید و در
نتیجه احساسات آزادیخواهان ملت بخصوص ساکنین پایتخت
را شدیداً جریخه‌دار نمود. البته از عجایب روزگار خواهد
بود که مردم تهران با وصف آنچه گذشت دیده‌ها و شنیده
های خود را یکسره فراموش کنند. و بفاصله
کوتاهی بعد از این جریان بیش از چهل هزار رأی
بآقای جمال اخوی بدهند و ایشان را بنام و کیل اول تهران
انتخاب نمایند!

اما قسمت دوم اعتراض بنده مربوط بنحوه جریان
انتخابات اخیر تهران است که موجبات آزادی انتخاب
مطلقاً وجود نداشت و انتخابات در محیط ارباب و تهدید
انجام گرفت.

من شمه‌ای از اوضاع و احوال انتخابات دوره بیستم
تقنینیه را در ضمن مخالفت با برنامه دولت در جلسه ۲۳
اسفند ماه عرض کرده‌ام و حاجت بتکرار تمامی آن مطالب
نمی‌بینم.

انجمن جدید تهران بریاست آقای علی معتمدی
تشکیل شد و از همان قدم اول برخلاف قانون انجمنهای
فرعی را مجرمانه و بدون استحضار مردم از هویت و شخصیت
اعضای آن تشکیل داد و امر قرائت آراء را هم برعهده همان
افرادی گذاشت که تا آن وقت از نظر مردم ناشناخته بودند.

با وجود مراجعات مکرر و تذکار بر رئیس انجمن که
انجمن نظارت باید شرایط آزادی انتخاب را در داخل و در
خارج محوطه شعب تأمین نماید نتیجه‌ای بدست نیامد،
و رئیس انجمن از تأمین مقدمات و موجبات آزادی انتخاب
اظهار عجز و ناتوانی نمود.

بجراوند اجازه ندادند که اسامی نامزدان نمایندگی

جمال اخوی - خداوند انشاالله دعای آقای ایلخانی زاده را مستجاب کند که فرمودند خداوند ما را بر اراست هدایت کند و آنچه میگوئیم مبتنی بر حسن نیت و مصلحت باشد. آقای صالح در ابتدای بیاناتشان نصایح کلی کردند که وظیفه آقایان نمایندگان اینست که بر مصلحت مملکت صحبت کنند. میگویند گاهی کلمه حق یزاد بها الباطل آن قسمت از بیانات ایشان که به بنده مربوط است و در نظر دارم نسبت به آن قسمت توضیح عرض میکنم تا در نظر هیچکس نقطه ابهامی باقی نماند.

یک صحبت مربوط به جریان انتخابات تابستانی است میگویند در جریان این انتخابات و نتیجه‌ای که منتهی شد به استعفای انجمن، سلب امانت از ما شده است. امانتی که بما سپرده‌اند و باید همیشه محترم بشماریم و در نظر داشته باشیم رعایت قانون است قانون امانت مهمی است که هیچوقت نباید او را از نظر دور داشته باشیم ابطال انتخابات باید مبتنی بر قانون باشد باید تهدید و تطمیع و تقلب دلیل داشته باشد بعد هم مجال رسیدگی به شکایات باشد تا انتخابات تمام نشود در قسمت اخذ و قرائت آراء و فرصت رسیدگی به شکایات نباشد نمیشود تصمیم گرفت میگویند در انتخابات زمستانی تطمیع کردند و انجمن به چه شکل شعب را تشکیل دادند ولی اینها که در انجمن تابستانی نبوده در شعب علنی انتخاب شدند و در هر شعبه انجمن مرکزی یک ناظر طرف اعتماد بعنوان بازرس انتخاب کرد که اکثر آنها ارفضات معروف بودند و عده‌ای دیگر از بازنشستگان و عده‌ای از مستخدمین دولت که طرف اعتماد بودند این عده برای نظارت در کار شعب از طرف انجمن تعیین شدند و نهایت مراقبت را داشتند که مطابق قانون باشد و برای آگاهی بیشتر انجمن، مواد راجع به انتخابات را استخراج کردیم و طبع کردیم باعضای انجمن دادیم تا در مد نظر داشته باشند از نظر آرایش و رعایت حقوق انتخاب کنندگان که حق هیچکس تضییع نشود و ترتیبی داده شد که هر کس میخواست رأی بدهد بدون هیچ منعی و جلو گیری نتواند موفق بشود. تمام آقایان اعضای انجمن در روزهای اخذ رأی به حوزه‌ها سرکشی میکردند و مراقبت داشتند که نظم و جریان کار مطابق قانون باشد.

لااقل سیصد هزار تن شرکت میکردند لیکن بعلمت فساد انتخابات و وجود تضییقات گوناگون فاطمه مردم روشنفکر پایتخت شرکت در انتخابات را تحریم کردند و از دادن رأی که حق اساسی قانونی مسلم آنان است خودداری نمودند و باین عمل چنانکه در مطبوعات داخلی و خارجی منعکس گردید مقاومت منفی و ناراضی خود را نشان دادند.

آقایان محترم! این است آنچه میخواستم اجمالاً در باره انتخابات دوره بیستم و بوجه خاص در موضوع نمایندگان آقای جمال اخوی که نمونه برجسته انتخابات تهران است بگویم. آقای جمال اخوی از دو جهت شایسته نمایندگان مجلس شورای ملی نیستند و اعتبارنامه ایشان باید رد شود: اول طبق فقره ۶ از ماده ۱۲ قانون انتخابات که میگوید وکیل باید معروف و به امانت و درستکاری باشد و آقای اخوی در نتیجه مباشرت در انتخابات باطل شده تابستان و حمایت و پشتیبانی که از آن اقتضاحات کردند این معروفیت و وجاهت را در میان مردم ندارد بلکه مردم ایشان را قابل تعقیب و محاکمه میدانند.

دوم از جهت اینکه انتخابات زمستانی در محیط ارباب و تهدید انجام گرفت و بنابراین طبق ماده ۴۴ از درجه اعتبار ساقط است.

دروغ نام سامان کتونی حکم در باره ارزش نمایندگان آقای جمال اخوی بدو با مجلس است اگر مجلس اعتبار نامه او را رد کند قدمی در راه اعلاای حق و رد باطل برداشته اگر نه ملت ایران با اطلاع کامل از آنچه گذشت نمایندگی ایشان را مردود می‌شمارد، و بدیهی است که در همه حال قضاوت نهائی و صحیح با ملت است.

در خاتمه یک دفتر محتوی مقداری اسناد و مدارک از قبیل قطعات جراید داخلی و خارجی و اعلامیه‌ها و اوراق تعرفه و صورت مجلس که حاکی از سوء جریان انتخابات میباشد بمقام ریاست تقدیم میکنم و خواهشمندم دستور فرمایند ضمیمه پرونده انتخابات تهران در مجلس بایگانی شود. سؤالی هم از آقای نخست‌وزیر راجع بنحوه توقیف جراید نموده که تقدیم میکنم.

نایب رئیس - سؤال بجریان گذاشته میشود. آقای

جمال اخوی دفاعی دارید بفرمائید.

متن استقانا نامه ۸۴ شهر یور ۳۹ انجمن سابق که تصریح کرده اند انجام وظیفه قانونی برای انجمن هر کزی میسر نمیباشد با توجه باین نکته که انجمن نظارت انتخابات فعلی نظارتی در انتخابات گذشته و آراء مأخوذه حوزه تهران نداشته بنا بر این مسئولیتی نسبت بمعمیات گذشته نمیتوان داشته باشد لذا آراء مأخوذه را اعم از فرائت شده یا نشده کان لم یکن میدانند و دلیل پیداشده که در این صورت مجلس ذکر شده و اگر هم این دلیل و مؤثر باشد در اعلان بطلان انتخابات در آنوقت موجود نبود و هر دو چیزی است که بعد پیداشده اگر اشکالات قانونی از تطبیع و تهدید و تقلب بود ذکر میگردند و اینجا علاوه میشد و اینکه میگویند در شعبه ۱۹ مدار کی هست این را هم کسی ندیده تا از شعبه بازپرسی بیرون نیاید که نمیشود نسبت بآن صحبتی کرد پس این هم دلیلی برای انجمن نمیشود که باطل کند پس هیچ تکلیفی متوجه آن انجمن نبود که ابطال کند تا آنجا که مقررات قانونی را میتوانست انجام دهد بوظیفه خود عمل کرد: بنده در جزئیات وارد نمیشوم و در انتخابات هم آنچه ایشان گفتند چون بنده وارد نبودم عرض نمیکنم خود آقایان بهتر مستوف هستند که جزئیات انتخابات در تهران و شهرستانها بچه ترتیب بوده و حالا هر طور که آقایان تصمیم بگیرند در اختیار آقایان هستم بنده هم تسلیم نظریات آقایان هستم (احسنست).

نایب رئیس - مذاکره راجع به اعتبار نامه آقای جمال اخوی تمام است طبق آئیننامه باید رأی علنی و با ورقه گرفته شود موافقین رأی سفید با نام و مخالفین رأی کبود خواهند داد. حالا رأی میگیریم.

(اسامی آقایان نمایندگان به ترتیب ذیل اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان: د کتر جهانشاهی - هاشمی حائری - قوام - د کتر اعتبار - د کتر صدری - فخر طباطبائی - محمد علی مهدوی - کشاورزبان - جعفری - سیداسداله موسوی - باقر بوشهری - اسمعیل اکبر - افشار - د کتر رفعت - مهندس جعفرودی - محمودی - غضنفری - ایلخانی زاده - علامه وحیدی - د کتر ضیائی - د کتر صاحب قلم - هدی

با این حال قبل از اینکه فرائت آراء تمام بشود چطور میتوانست انجمن تصمیم بگیرد بر اینکه انتخابات صحیح است یا نه؟ تهدید و تطبیع و تقلبی شده است یا نه. شکایاتی هم که میگویند چندان شکایتی نرسید رسیدگی به شکایت هم موعضش بعد از فرائت آراء است ولی همه آقایان میدانند در همه مملکت و در تهران وضع طوری بود که از همان توجه داشتند باینکه این انتخابات عوض بشود مصلحتی ایجاب کرده بود که این انتخابات عوض بشود بنده این مصلحت را نمیدانم چیست مصلحت ایجاب کرده بود که جریان انتخابات از نظر نتیجه ای که احتمال میدادند حاصل بشود تجدید بشود از نظر اشخاص شاید تعادلی بین اعضاء نبود بنده نمیدانم هر چه بود از جریان انتخابات بنده نشنیدم که شکایاتی بشود. بنا بر این با توجه باین امر که نهایت کوشش شد که موجب ناراحتی پیدا نشود و برخلاف مصلحت امری بیش نیاید و اینکه میگویند میبایستی انجمن انتخابات را ابطال کرده باشد و دلیل ابطال هم بود بنده میخواهم عرض کنم که نه آنوقت دلیل ابطال بوده و نه بعد پیدا شد و اینکه میگویند تخلفات قانونی پیش آمد میبایستی انتخابات باطل شود اگر چنین چیزی بود انجمن بعدی اعتراض میکرد این صورت مجلس انجمن بعدی است که برای ابطال نوشته اند «راجع به تکلیف آراء مأخوذه سابقه بوسیله انجمن سابق که قسمتی فرائت گردیده بحث مفصلی بعمل آمد و یکی از آقایان عقیده داشتند که چون وزارت کشور بفرمانداری تهران مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات در ۱۹ دی ماه دستور داده است برای تشکیل انجمن نظارت و انجام انتخابات دوره بیستم رفتار نمایند و فرمانداری هم بموجب ماده مذکور ۳۶ نفر را دعوت کرده و آن ۳۶ نفر هم نه نفرا انتخاب کرده اند بی اثر بودن اوراق مربوط باین انتخابات که در انجمن سابق گرفته شده مسلم و بی شبهه است و احتیاجی باظهار نظر انجمن در این باب ندارد، وظیفه انجمن پس از آنکه هیئت رئیسه انتخاب نمود این است که اعضاء انجمنهای فرعی را مطابق قانون تعیین نموده و جریان انتخابات را در حدود مقررات قانونی تعقیب نماید. سایر اعضاء انجمن عقیده داشتند که اظهار نظر نسبت بآن از وظایف انجمن فعلی است و بالاخره توافق شد با استناد به

بهبودی - د کتر دادر - ملک زاده آملی - د کتر متین - یار افشار - مهندس کیا - دادخواه - شادمان - توسلی - امیدسالار - د کتر صدزی - میرهادی - مصطفی ذوالفقاری - غضنفری - قراچورلو محمد علی مهدوی - امام مردوخ - بیات کودرزی - بزرگه نیا - د کتر موسوی امین - مصطفوی نائینی - پورسز تیبید کتر صاحب قلم - د کتر ضیائی - محمودی - هاشمی حائری - جلیلی - معظمی - نصیری - د کتر عمید - ریگی - طهماسبی - لاری - رستم امیر بختیاری - حکیمی - ملکشاه ظفر - اسپهبدی - هیراد - نیری - معرفت - عبدالمجید بختیار - د کتر سیاح - د کتر معدل نعیمی اکبر - اژدری - قریشی سید کاظم مسعودی - موسوی ما کوئی مبارکی - د کتر نعیمی عامری - امیر لک - د کتر تقضلی - دشتی - کورس حریری - دریانی - فولادوند - د کتر مظاهر - برومند - د کتر نواب - اردلان - د کتر امامی - مرآت اسفندیاری - پزشکی - منوچهر افشار - ابدال بختیار - هوشنگ صمصام بختیاری - ایلخانی زاده - اکبر - د کتر رفعت - مهندس جفرودی - افخمی - موسوی معین زاده - امیر هوشنگ مقدم - آرمین - اهری - مهندس او زاده - د کتر کیان - فلیکس آقایان - صمیمی - باقر بوشهری - همایونی - د کتر اعتبار - قوام - حکیمی - آصفوزیری - د کتر حاتم - د کتر امیر ازصلان - افشار -

اهری - د کتر کیان - امید سالار - میرهادی - د کتر نفیسی - مصطفوی نائینی - بزرگه نیا - میر اشرافی - پور سرتیپ - کودرزی - مغین زاده موسوی - داودزاده - افخمی - بیات - قاسم مسعودی - هوشنگ مقدم - نیری - برومند - د کتر نواب - اریه - اژدری - دادخواه - د کتر دادفر - د کتر موسوی امین - زنوزی - توسلی - حکیمی - شمس - مهندس بهبودی - رستم امیر بختیار - ملکشاه ظفر - یار افشار - د کتر متین - معرفت - اسپهبدی - هیراد - مهندس کیا - ملک زاده آملی - مصطفی ذوالفقاری - قراچورلو - خسرو پرویز - آرمین - د کتر اعتمادی - فلیکس آقایان - ریگی - د کتر مظاهر - عامری - طهماسبی - شادمان - سرتیپ زاده - دریانی - امام مردوخ - آصف وزیری - نعیمی اکبر - کیهان یغمائی - پزشکی - سید کاظم مسعودی - د کتر سیاح - د کتر معدل - فولادوند - قرشی - لاری - وثوق - د کتر امیر ازصلان - افشار - گرگانی مبارکی - مجید بختیار - قراچورلو - کدیور - عرفانی - موسوی ما کوئی - خلعتبری - امیر لک - همایونی - دشتی - د کتر امامی - اردلان - د کتر تقضلی - نصیری - مهندس والا - مرآت اسفندیاری - صمصام بختیاری - معظمی - مهندس یگانگی - کورس - حریری - د کتر عمید - ساگینیان - صمیمی - ابدال بختیاری - جلیلی - گرجی - مهندس دهستانی - باقرزاده -

(آراء ماخوذه شماره شده ۱۱۰ ورقه سفید و یک ورقه کیود و هفت ورقه سفید و بی اسم شماره شد)

نایب رئیس - گزارش کمیسیون تحقیق نسبت به نمایندگی آقای جمال اخوی تصویب شد. اسامی موافقین - آقایان: گرجی - فخر طباطبائی - د کتر جهانشاهی - ساگینیان - کشاورزیان - اریه - کدیور - مهندس دهستانی - سید اسداله موسوی - باقرزاده - کیهان یغمائی - زنوزی - گرگانی - مهندس میر اشرافی - د کتر یگانگی - قاسم مسعودی - وثوق - علامه وحیدی - شمس - مهندس

مخالف - آقای خلعتبری

ورقه سفید و ورقه موافق بی اسم هفت ورقه

۱۱ تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده

روزی که شنبه سوم اردیبهشت خواهد بود، دستور در صورتیکه گزارش کمیسیون بودجه حاضر باشد بودجه دستور خواهد بود و اگر تا آن روز حاضر نشد سایر امور جاری در دستور مجلس خواهد بود.

(مجلس بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - عماد قربتی